

تحلیل جامعه‌شناختی عملکرد ورزشی با رویکرد خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار شهر تهران در رشته انفرادی (بدنسازي)

حسن اسفندیار چهرمی^۱

بهرام قدیمی^۲

زهرا علی‌پور درویشی^۳

شهلا حجت^۴

معصومه شجاعی^۵

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

چکیده

هدف از مقاله پیش روی تحلیل جامعه‌شناختی عملکرد ورزشی با رویکرد خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار شهر تهران در رشته انفرادی (بدنسازي) می‌باشد و برای اجرای آن از روش تحقیق ترکیبی با طرح اکتشافی استفاده شده است. ابتدا در بخش کیفی پژوهش با استفاده از تکنیک گراند تئوری مدل استراوس و کوربین، مصاحبه‌ای با ۴۹ نفر صورت پذیرفت. سپس، در بخش کمی به شیوه پیمایشی، پرسشنامه‌های تهیه و در اختیار ۱۲۰ نفر قرار داده شد. اعتبار پرسشنامه را صاحب‌نظران تأیید کردند و پایایی آن با آلفای کرونباخ (۰/۹۷۷) محاسبه شد. در این خروجی از مدل‌سازی معادلات ساختاری از نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس استفاده گردید و به بررسی مسیرهای مشخص پژوهش مطابق با مدل مفهومی پرداخته شد. شاخص برازش مدل کمی ۰/۰۸۸ و بیانگر مطلوبیت قوی مدل است که محکی برای اعتبار نظریه برپایه تلقی می‌شود. نتایج یافته‌های بخش کیفی در قالب ۶ مفهوم: شرایط علی شامل: ضعف ویژگی‌های شخصیتی، پدیده‌ی محوری: خودپذیرشی و عدم اعتماد به نفس، شرایط مداخله‌گر: نقش دوستان و مربیان، شرایط زمینه‌ای: عادت‌واره دختران ورزشکار، کنش و تعامل‌ها: مدیریت بدن، پیامدها: احساس رضایت از خود و تأیید دیگران می‌باشد. بر اساس یافته‌های بدست آمده، اغراق‌گویی دختران ورزشکار بدنساز از خود، ناشی از آگاهی و احساس دختر بدنساز، از خانواده و جامعه نسبت به پدیده ورزش بدنسازی می‌باشد که این نوع رفتار بازخوردی از نگرش منفی در تعامل‌ها و روابط بینابینی حاصل می‌شود.

واژگان کلیدی: خودپذیرشی، مدیریت بدن، عملکرد ورزشی، رشته بدنسازی.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی ورزش، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

dr.b.ghadimi@gmail.com

۳- دانشیار گروه مدیریت بازرگانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴- استادیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۵- دانشیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

مقدمه

در عصر حاضر، ورزش به‌عنوان ابزاری چندبعدی در حوزه‌های مختلف تأثیرات گسترده‌ای دارد. امروزه دلیل روی آوردن افراد به ورزش به‌خاطر این است که ورزش در سلامت، گذراندن اوقات فراغت سالم، با نشاط و لذت بخش به‌ویژه در نسل جوان، ایجاد روابط اجتماعی سالم در جامعه، پیشگیری از ابتلا به بیماری‌ها و بسیاری از مفاصل اجتماعی، انحرافات اخلاقی نقش خود را متجلی ساخته است. در نتیجه عملکرد ورزشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (کوکلی^۱، ۲۰۱۴: ۵۶). در این فرایند بدن در روی آوردن به ورزش و عملکرد ورزشی، نقش محوری ایفا می‌کند در هر جامعه‌ای بدن انسان، یک واقعیت جسمانی و یک واقعیت اجتماعی دارد. عملکرد ورزشی^۲ با رویکرد خودپذیرشی^۳ و مدیریت بدن^۴ در دختران ورزشکار بدنساز تناسب اندام آرایشی را در جامعه ما ایجاد کرده است. این تصویر رقابتی حاوی یکسری پیام‌های فرهنگی است که در جامعه منعکس می‌شود و ضرورت «محکم اما خوش ترکیب، متناسب اما جذاب، قوی اما لاغر» بودن را به آنان گوشزد می‌کند. مسأله مدیریت بدن برای دختران ورزشکار بدنساز به‌قدری مهم شده که آنان ممکن است نسبت به تناسب و زیبایی اندام خود حالت وسواسی پیدا کنند، و برای رسیدن به شرایط ایده‌آل بدنی اقدام به هر کاری (از جمله استفاده از داروهای نیروز، تمرینات سخت بدنسازی و استفاده از انواع خوراکی ناسالم) کنند. در این جامعه، وضع بدن باید متناسب، فیتنس و جوان نگاه داشته شود. در جامعه ما فراگیر شدن پدیده بدنسازی دختران در عرصه زیست اجتماعی به‌وضوح قابل مشاهده است. در این رویکرد جامعه‌شناختی، از یک طرف بدن‌سازی به‌عنوان یک تجربه براندازانه و آزادسازی برای دختران تلقی می‌شود. از طرف دیگر یک روش مؤثر برای به چالش کشیدن بنیادین ساخت اجتماعی دختران است. منتقدان این دیدگاه (به عنوان مثال بوردیو^۵، ۱۹۹۰؛ فیشرف^۶، ۱۹۹۷) ادعا می‌کنند که بدن‌سازی دختران نیز در نهایت یک عمل ظالمانه است که در آن نظم مادام‌العمر، نظارت بر خود و نفرت از بدن شکل جدیدی پیدا می‌کند. دختران بدنسازان عضلانی که عضل بدن زیادی دارند، اغلب توسط فرهنگ غالب به‌عنوان منحرف شناخته می‌شوند، زیرا قدرت و عضلانی بودن به‌عنوان دامنه «قدرت و اقتدار طبیعی» مردانه تلقی می‌شود. فعالیت‌های مرتبط با بدن‌سازی رضایت فوری را فراهم می‌کند. چنین فعالیت‌هایی دختران را قادر می‌سازد تا تأثیر فوری کار را ببینند. با این حال، این فعالیت‌ها راهی برای شکل دادن به یک بدن مجسمه‌ای را فراهم می‌کند، اما از

۱- coakley

۲- sports performance

۳- self-acceptance

۴- body management

۵- Pierre Bourdieu

۶- fissure

طرف دیگر منجر به تحریف تصویر از زندگی روزمره و خودپذیرشی آن‌ها می‌شود، نقطه شروع بدن‌سازی نارضایتی از بدن است (کارزای و کرویترا^۱، ۲۰۱۴: ۱۲۶)، که این می‌تواند به خطراتی منجر شود. به‌عنوان مثال یک تصویر ضعیف از خود می‌تواند رشد فردی و خودپذیرشی را محدود کند. خود پذیرشی یکی از عوامل مهم در رشد و پیشرفت فردی و اجتماعی و عملکرد ورزشی دختران بدنساز و یک جنبه از تصویر بدنی و ساختار مدیریت بدن می‌باشد. ورزش نمونه‌ای خوب از ساختار اجتماعی بدن است. ورزش، رسانه بسیار مناسبی برای نمایش خودپذیرشی و شیوه زندگی است و در این میان عملکرد ورزشی دختران نوعی فعالیت جمعی در نظر گرفته می‌شود به طوری که این فعالیت جمعی در هنجارها، ارزش‌ها، اعمال گروهی و طبقات اجتماعی ریشه دارد و از طریق آن‌ها نیز ممکن است محدود شود، انتظاراتی که طبقات اجتماعی و قشرهای گوناگون از ورزش دارند بسیار متفاوت است، ورزش بدنسازی باعث شده است دختران به دنبال کسب تناسب اندام و زیبایی ظاهر خود، باشند و از جهات خاصی دارای یکسری تبعات از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. این مقاله درصدد پرداختن به این تبعات است از لحاظ تبعات اجتماعی، می‌توان در دو سطح کلان و خرد بررسی کرد: در سطح کلان دختران بدنساز با ایدئولوژی حاکم ساختار نظام فرهنگی و اجتماعی مردسالارانه مواجه بودند که آنان را از پرداختن به فعالیت ورزشی بدنسازی منع می‌کرد و در عرف عامه جامعه اینطور القاء می‌کردند که، دختران بدنساز را به‌عنوان بدنسازان قوی، عجیب و غریب، داری بدن‌هایی بی‌نهایت وسوسه‌انگیز، سرکش، منحرف و سرگرم‌کننده برای مردان جلوه دهند، «جنس ضعیف‌ترند» و «خانم‌های بدنساز زن نیستند چون بسیار عضلانی و شبیه مردان هستند»، دست به مقابله و واکنش می‌زدند و عیب تحمیل شده اجتماعی را از نظر داشتن عضله بسیار، خنثی کنند آن‌ها سعی می‌کردند که عضلاتشان خیلی ماهیچه‌ای و بزرگ نشود و بدنی ظریف و متقارن و زنانه داشته باشند. در سطح خرد مدیریت بدن به معنای نظارت و دستکاری مستمر ویژگی‌های ظاهری بدن است، این مفهوم به کمک معرف‌های در سه حوزه: ۱- مدیریت بدن شدید: دستکاری پزشکی (جراحی بینی و پلاستیک)، ۲- مدیریت بدن متوسط: کنترل وزن (از طریق ورزش، رژیم غذایی و دارو) و ۳- مدیریت بدن ضعیف: میزان اهمیت دادن به مراقبت‌های آرایشی و بهداشتی (استحمام روزانه، آرایش مو، آرایش یا اصلاح صورت، استفاده از عطر، آرایش ناخن و لنز) به یک شاخص تجمعی تبدیل شده است (آزاد ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶۴)؛ در واقع، مدیریت بدن به معنای برنامه‌ریزی برای بدن در قالب اشکال و تظاهرات خاص تن از حیث وضعیت ظاهری، آرایش و پوششی است که در نظام اجتماعی پذیرفته شده است (مهدوی و عباسی اسفنجیر، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

۱- Karazsia & Crowther

به‌عنوان مثال تحقیقی که میرزایی و همکاران (۱۳۹۶) انجام داده است به بررسی عوامل مؤثر بر فعالیت‌های بدنی و ورزشی زنان می‌پردازد و طی پژوهشی بیان داشتند که فعالیت‌های بدنی و ورزشی زنان بر میزان تمایل به تناسب اندام آن‌ها مؤثر است. همچنین بین سن افراد و تمایل به تناسب اندام رابطه معنی‌داری وجود ندارد و زنانی که اقدام به تناسب اندام می‌کنند، خودشکوفاترند و از رشد معنوی بالاتری برخوردارند. هر چه میزان روابط بین فردی در زنان مطلوب‌تر باشد بر میزان تمایل آنان به تناسب اندام بیشتر می‌گردد و بالعکس؛ لذا روابط بین فردی مناسب بر تمایل به تناسب اندام مؤثر است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶). تحقیقی که کشگر و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی نقش مد در گرایش دختران جوان به تناسب اندام و ورزش، به این نتیجه رسیدند که مد می‌تواند باعث گرایش دختران به شرکت در ورزش شوند. اما نتایج نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین دانشجویان دختر با میزان فعالیت ورزشی مختلف و شاخص‌های توده بدنی مختلف وجود ندارد. مد می‌تواند عامل مهمی در گرایش به ورزش و تناسب اندام در بین دختران باشد و به‌عنوان عاملی مثبت مورد استفاده مسئولین ورزش کشور قرار گیرد تا برای جذب جامعه به ورزش و تناسب اندام بهره‌برداری گردد. پس طراحان لباس و رسانه‌های جمعی می‌توانند به اشاعه مدل‌هایی در جامعه بپردازند که جنبه‌های جذب جامعه به سلامت و تندرستی در آن مورد توجه قرار گیرد (کشگر و همکاران، ۱۳۹۶). تحقیقی که احسانی و شمسی‌پور (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی نظرهای مشتریان سالن‌های بدنسازی بانوان شهر اصفهان، به این نتیجه رسیدند که هدف بیشتر بانوان از شرکت در کلاس‌های باشگاه، حفظ تندرستی، تناسب اندام و کاهش وزن است. همچنین وجود مربیان متخصص و متعهد و مکان قرارگیری سالن و در نظر گرفتن انواع تخفیف هنگام پرداخت شهریه، در میزان جذب مشتری اهمیت زیادی دارد. (احسانی و شمسی‌پور، ۱۳۹۵). تحقیقی که معین‌الدینی و صنعت‌خواه (۱۳۹۱)، انجام داده است به این نتیجه رسیدند که متغیرهای تصور شخص از بدن خود و خودپذیرشی، مصرف رسانه‌ای و سرمایه فرهنگی ورزش محور، تأثیر مستقیم و به ترتیب حدود ۰/۱۳، ۰/۲۰، ۰/۱۶، بر گرایش شهروندان به ورزش همگانی دارند. این پژوهش تنها به متغیر تصور شخص از بدن و خودپذیرشی در ورزش پرداخته است. تحقیقی که فاتحی و اخلاصی (۱۳۸۷)، انجام داده‌اند در پژوهش خود به میزان بالای مدیریت بدن در زنان شیرازی دست یافته‌اند که گویای میزان بالای توجه زنان به بدن در همه وجوه آن اعم از آرایشی، مراقبت و... بوده است. همچنین آن‌ها نشان دادند که بین متغیرهای مصرف رسانه‌ای، پذیرش اجتماعی بدن و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با مدیریت بدن رابطه مستقیم و معنادار و بین متغیرهای دینداری و مدیریت بدن رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. این پژوهش صرفاً به متغیر مدیریت بدن پرداخته است تحقیقی که

تحلیل جامعه‌شناختی عملکرد ورزشی با رویکرد خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار . . .

پگی روسل^۱ (۲۰۱۹) با عنوان «دگرذیسی زنان بدنساز: قضاوت درباره بدن پاروکسیسم» دریافتند که بدنسازان زن را به‌عنوان «قانون‌شکنان جنسیتی» توصیف می‌کنند، چهره‌ای که به‌دلیل نقض یک قانون رسمی، اما به این دلیل که درک‌های کاملاً آشکار و غالب آنچه از نظر زیبایی‌شناختی، سیناستیکی و پدیدارشناختی قابل قبول است را نادیده می‌گیرد در چارچوب جنسیت تعامل اجتماعی. وجود این ارزش دافعه ما را مجبور می‌کند تشخیص دهیم که عضله «بیش از حد»، به ویژه در زنان، می‌تواند نگران‌کننده باشد (پگی روسل، ۲۰۱۹). تحقیقی که کستانسکی و گالن^۲ (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر تصویر بدنی در فعالیت‌های ورزشی پرداخته است و به این نتیجه دست یافته است که دختران دارای اضافه وزن نسبت به دختران با وزن طبیعی (نرمال) دارای اعتماد به نفس پایین‌تری هستند و اینرا مطرح کردند که احتمالاً افراد چاق به‌واسطه ارزش‌گذاری منفی برای چاقی و اضافه وزن در جوامع، حس ارزشمندی خود را به دلیل تصویر بدنی نامناسب از دست می‌دهند. در سال‌های اخیر در بیشتر کشورهای پیشرفته فشار اجتماعی بر تصویر بدنی به میزان قابل توجهی در ارتباط با وزن و شکل بدن مطرح شده و برای بسیاری از زنان یک بدن ایده‌آل و زیبا مطابق با معیارهای اجتماعی روز، داشتن بدنی لاغر یا کمتر عضلانی است. در حالی که برای مردان داشتن بدنی با ماهیچه‌های بزرگ‌تر، ایده‌آل محسوب می‌شود (کستانسکی و گالن، ۲۰۱۸). التون و راد^۳ (۱۹۹۴) در تحقیقی با عنوان «رابطه بین نگرش به نقش‌های جنسی، رضایت از بدن، عزت نفس و مدیریت ظاهر در زنان ورزشکار» در بین ۱۹۴ نفر دختر در آمریکا دریافتند که نحوه نگرش به نقش جنسیت و رضایت از بدن، با عزت نفس رابطه مثبتی دارد و زنانی که دارای عزت نفس بالایی هستند کمتر درگیر فرایند مدیریت ظاهر می‌شوند (التون و راد، ۱۹۹۴).

هدف کلی تحقیق

ارائه مدل عملکرد ورزشی در چهارچوب مدیریت بدن و خودپذیرشی با رویکرد جامعه‌شناسی و تبیین تجربی آن که شامل اهداف بخش کیفی و بخش کمی می‌باشد.

هدف کلی بخش کیفی:

شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدل پارادایمی عملکرد ورزشی در چهارچوب مدیریت بدن و خودپذیرشی بر اساس تفاسیر و برداشت‌های ذهنی کنشگران اجتماعی (دختران ورزشکار بدنساز). که این هدف با توجه به اهداف جزئی زیر حاصل خواهد شد:

۱- Peggy Roussel

۲- Kostanski & Gallon

۳- Alnuwn & Rad

اهداف جزئی بخش کیفی:

- ۱- شناسایی شرایط علی عملکرد ورزشی در چهارچوب مدیریت بدن و خودپذیرشی از منظر خانم‌های ورزشکار بدنساز.
- ۲- شناسایی پدیده محوری عملکرد ورزشی در چهارچوب مدیریت بدن و خودپذیرشی از منظر خانم‌های ورزشکار بدنساز.
- ۳- شناسایی شرایط زمینه‌ای مؤثر بر عملکرد ورزشی در چهارچوب مدیریت بدن و خودپذیرشی از منظر خانم‌های ورزشکار بدنساز.
- ۴- شناسایی شرایط مداخله گر مؤثر بر پدیده (عملکرد ورزشی در چهارچوب مدیریت بدن و خودپذیرشی) از منظر خانم‌های ورزشکار بدنساز.
- ۵- شناسایی کنش متقابل و راهبردهای در قبال پدیده (عملکرد ورزشی در چهارچوب مدیریت بدن و خودپذیرشی) از منظر خانم‌های ورزشکار بدنساز.
- ۶- شناسایی پیامدهای حاصل از پدیده مدیریت بدن در قبال عملکرد ورزشی و خودپذیرشی از منظر خانم‌های ورزشکار بدنساز.

هدف کلی بخش کمی تحقیق:

راستی‌آزمایی و تأیید تجربی مدل پارادایمی عملکرد ورزشی در چهارچوب مدیریت بدن و خودپذیرشی: با پیدایش نظریه‌های کنش متقابل و تأکید بر خود و ذهن به‌جای تأکید بر ساختارهای کلان، توجه بر مدیریت بدن به‌تدریج مورد توجه قرار گرفت. در کار کولی^۱، توجه به خود در یک ارتباط دیالکتیکی بین فرد و جمع شکل می‌گیرد. در نظر وی، مفهوم خودآینه‌سان از سه عنصر اصلی ساخته می‌شود، نخست، ظاهر ما در نزد دیگران چگونه است، دوم، دیگران چه قضاوتی در مورد ظاهر ما انجام می‌دهند و سوم اینکه چه احساسی از خود برای ما پدید می‌آید. روزنبرگ^۲ مفهوم «خود» را به «برداشت از خود» ارتقا داده و بر این باور است که افراد سه نوع برداشت دارند: ۱- خود موجود یا تصویری که فرد در حال حاضر و در اینجا و اکنون از «خود» در ذهن دارد. ۲- خود دلخواه یا تصویری که ما دوست داریم باشیم و فرد با اندیشیدن درباره‌ی آن بسیار شاد و مسرور می‌شود و ۳- خود وانمودی یا روشی که ما در یک موقعیت، خودمان را

۱- Charles cooley

۲- Rosenberg

نشان می‌دهیم. زیمل در تحلیل مصرف‌گرایی جامعه‌ی مدرن، بر مقوله‌ای همچون مد تأکید دارد. به نظر وی، مصرف کالاها و ایجاد سبک‌های زندگی از سویی برای فرد هویت بخش بوده و از سوی دیگر، متمایزکننده است. وی بر این باور است که زنان سریع‌تر به مدهای جدید و متفاوت جذب می‌شوند زیرا می‌خواهند به هویت شخصی متمایز خود شکل دهند و از جانب دیگر چون در طول تاریخ موقعیت فرودستی داشته‌اند، بیشتر به مد وابسته می‌شوند. بنظر وی، اگرچه دنیای مدرن منجر به آزادی فرد از اسارت سنت شده است، اما تنگناهایی نیز برای فرد ایجاد کرده است؛ به‌گونه‌ای که افراد برای حفظ آزادی خود به پدیده‌هایی چون مد پناه می‌برند تا به‌واسطه‌ی آن هویت خود را تعریف کنند (تفردی و ساوان^۱، ۲۰۱۱: ۱۲۴). به نظر گافمن انسان همواره خود را آن‌گونه که جمع می‌پذیرد به نمایش می‌گذارد. افزون بر توجه فرد به جمع در نمایش خود، فرد به‌گونه‌ای رفتار می‌کند تا در نتیجه‌ی نحوه‌ی نمایش خود، آنچه را که در ذهن دارد در این صحنه‌ی نمایش، به‌دست آورد. کنشگران امیدوارند که نمایش آن‌ها، حضارشان را وادارد تا داوطلبانه، به دلخواه آن‌ها عمل کنند. گافمن این علاقه‌ی اصلی را به‌عنوان مدیریت تأثیرگذاری مطرح کرد. مدیریت ذکر شده شگردهایی را برای تأثیرگذاری و اجرای بهینه‌ی کنش دربرمی‌گیرد. بدن مکانی است که این موفقیت به‌وسیله‌ی آن به‌دست می‌آید. در این‌جا نقش صورت در کنش‌های اجتماعی بسیار مهم است. آرایش صورت نیز نقابی برای روی صورت است که باید همواره تغییر کند (گافمن^۲، ۱۹۵۹: ۱۱). اجتماعی‌شدن بدن آن چیزی است که فوکو در قالب کنترل اجتماعی بر بدن مطرح کرد. وی چگونگی بوجود آمدن دانش‌ها و آیین‌های مربوط به بدن را به‌وسیله‌ی تکنیک‌های نظارت در قرن بیستم، بررسی کرد. او از مفهوم قدرت / دانش بهره می‌جوید. وی از این مفاهیم به‌منظور مفهومی کردن روابط بین بدن و حکومت استفاده کرد. بدن به شکل گفتمانی، از راه اعمال قدرت تولید شده و از راه گفتمان‌های ویژه به‌وجود آمده است کنترل بر بدن محصول تاریخ جدید است که در راستای اهداف سیاسی خاص پیش می‌رود و در تحول در شیوه‌های برخورد با انسان‌ها (مجانین، دیوانگان و مجرمان) تنها فرایند کنترل را تشدید نموده است (فوکو^۳، ۱۳۸۲: ۵۷). موس^۴ بر این باور است که بدن نخستین ابزار انسان است و مهمترین فنی است که در مدرنیته‌ی متأخر در راستای عینیت‌سازی و برون‌سازی بدن مطرح می‌شود. نزلک نگرش نسبت به بدن را شامل یک خودنگری مرتبط با بدن می‌داند و به عزت نفس، اعتماد میان فردی، رفتارهای ورزشی و . . . نسبت می‌دهد (لچت^۵، ۱۳۷۸: ۵۹). گیدنز، بدن را در ارتباط با دو مفهوم «هویت» و «خود» قرار می‌دهد. نیاز امنیت وجودی و حس امنیت هستی‌شناختی، آن چیزی است که در نهایت، به شکل‌گیری یک هویت

۱- Tafarrofi & Sawan

۲- Erving Goffman

۳- Paul Michel foucault

۴- Marcel Mauss

۵- Lechat

شخصی در ارتباط با محیط پیرامون منجر می‌گردد و در این راستا، بدن به‌عنوان ابزار استفاده می‌شود. به باور وی، «خود» در درون بدن جای دارد و آگاهی نسبت به خویش بیش‌تر ناشی از تغییراتی است که در بدن احساس می‌شود. بدن در نگاه وی تنها یک جسم مادی صرف نیست بلکه وسیله‌ای عملی برای کنار آمدن با اوضاع و احوال و رویدادهای بیرونی است. برای آن که بتوانیم به‌گونه‌ی برابر در تولید روابط اجتماعی با دیگران شریک شویم، باید قادر باشیم نظارتی مداوم بر بدن خویش اعمال کنیم. به باور وی، سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای کم‌وبیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد چون نه تنها نیازهای جاری او را بر می‌آورند بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود بر گزیده است، در برابر دیگران متجسم می‌سازد. سبک زندگی روش الگومند مصرف، درک و ارزش گذاری محصولات فرهنگ مادی است که استقرار معیارهای هویتی را در چارچوب زمان و مکان ممکن می‌سازد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۴۴). بوردیو به‌منظور نشان دادن جایگاه‌ها و تبادل میان عاملان یا گروه‌های اجتماعی به مقدار و اهمیت نسبی سرمایه‌ای که در اختیار دارند اشاره می‌کند. او از چهار سرمایه نام می‌برد:

- سرمایه اقتصادی، یعنی همان در اختیار داشتن پول و ثروت

- سرمایه فرهنگی، یعنی در اختیار داشتن کالاهای فرهنگی

- سرمایه اجتماعی، یعنی در اختیار داشتن روابط اجتماعی و فردی فرد با دیگر افراد

- سرمایه نمادین، یعنی در اختیار داشتن شأن و احترام.

به عقیده‌ی بوردیو افراد به‌منظور دستیابی به بهترین چیز با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. به‌طوری‌که، این امر سبب تبادل این چهار سرمایه می‌شود. سرمایه فرهنگی اشاره به سلیق و الگوهای مصرفی دارد که از لحاظ فرهنگی دارای ارزش بوده و خود را در سبک زندگی متجلی می‌سازد. درست همان‌طور که گروه‌های اجتماعی در سرمایه مادی متفاوت هستند، این گروه‌ها ممکن است در سلیق، مهارت‌ها، دانش نیز متفاوت باشند. وجود سطوح متفاوت سرمایه فرهنگی در میان افراد، تفاوت گروه‌های اجتماعی را در نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت نشان می‌دهد. لذا، افرادی که دارای سرمایه فرهنگی زیادی هستند در مقایسه با افرادی که فاقد سرمایه فرهنگی‌اند سبک زندگی متفاوتی دارند. بوردیو معمولاً سرمایه‌ی تجسم یافته را به‌عنوان بخشی از سرمایه فرهنگی و بسان یک امر فرهنگی منتج در بدن مورد تحلیل قرار می‌دهد. به اعتقاد بوردیو مدیریت و رشد بدن در عامل انسانی به‌طور کلی و تولید سرمایه فرهنگی و اقتصادی در دستیابی و حفظ منزلت مهم است. در واقع، مدیریت بدن به‌واسطه‌ی زمان و مکان می‌تواند به‌عنوان سازنده‌ی بنیادی در توانایی افراد به نظر رسد تا در امور اجتماعی مداخله و تفاوت‌هایی را در جریان زندگی روزمره ایجاد کند (شیلینگ، ۱۹۹۱: ۶۵۴). او معتقد است که سرمایه‌ی جسمانی می‌تواند به دیگر

۱- Anthony Giddens

۲- shilling

تحلیل جامعه‌شناختی عملکرد ورزشی با رویکرد خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار . . .

انواع سرمایه نظیر سرمایه اقتصادی در قالب کالا و خدمات، سرمایه فرهنگی، تحصیلات و سرمایه اجتماعی منجر شود و البته این سرمایه جسمانی از طریق ورزش کردن، اوقات فراغت و دیگر فعالیت‌ها، موقعیت طبقات را نشان می‌دهد. در واقع، از نظر بوردیو سلیقه در بدن شکل مادی می‌یابد و روابط متفاوتی که طبقات اجتماعی نسبت به بدن‌هایشان دارند گویای این امر است. او که بر عامل طبقه تأکید می‌کند معتقد است انتخاب فعالیت‌های ورزشی برای گروه بورژوازی متفاوت با طبقه‌ی کارگر است. در طبقات گوناگون می‌توان جهت‌گیری مختلفی نسبت به بدن مشاهده کرد. لذا، می‌توان به رابطه‌ی میان تمایزات طبقاتی در سلیقه و جهت‌گیری نسبت به بدن اشاره کرد. به این صورت که، از طریق سلیقه‌ها می‌توان نابرابری‌های اجتماعی را رمزگشایی کرد (همان: ۶۵۳). به عبارتی، کار بوردیو برجسته کردن روابط میان سرمایه‌ی فیزیکی و بازنمایی نابرابری‌های طبقاتی است که در این میان نقش بدن به‌طور خاص بسیار مهم بوده است. می‌توان نظر بوردیو را حول بدن این‌گونه جمع‌بندی کرد که او معتقد است که قابلیت‌ها و توانمندی‌های جسمانی انسان یکی از عوامل تعیین‌کننده‌ی جایگاه او در جامعه است. از نظر او توزیع ارزش‌ها و فرصت‌ها در جامعه بر اساس میزان برخورداری از چهار نوع سرمایه شکل می‌گیرد. در واقع، میزان بهره‌مندی از سرمایه‌ی اقتصادی (ثروت و مایملک)، سرمایه‌ی فرهنگی (آموزش، شناخت هنرها و سطوح بالای فرهنگ)، سرمایه‌ی نمادی (طرز رفتار و نمایش خود) و سرمایه‌ی جسمانی (شکل بدن، نحوه‌ی صحبت کردن و گفت‌وگو با دیگران و طرز راه رفتن) موقعیت فرد را در سلسله مراتب اجتماعی مشخص می‌سازد. علاوه بر این، یک شکل سرمایه، قابل تبدیل به اشکال دیگر سرمایه است. سرمایه‌ی جسمانی بر اساس طبقه‌ی اجتماعی تغییر می‌کند. از این رو، اعضای طبقه‌ی کارگر به بدن خود نگرشی ابزارگرایانه دارند. برای آن‌ها بدن در حکم وسیله‌ای برای دست‌یابی به اهداف است. درحالی‌که، برای اعضای طبقه متوسط بدن به خودی خود اهمیت و ارزش دارد. طبقه کارگر می‌کوشد با انجام فعالیت‌های ورزشی حرفه‌ای از سرمایه‌ی جسمانی خویش همچون ابزاری برای کسب سرمایه‌ی اقتصادی استفاده کند (نتلتون^۱، ۲۰۱۶: ۱۲۱-۱۲۲).

چارچوب نظری مورد استفاده در این مقاله ترکیبی است از سطح کلان و خرد و پست مدرن می‌باشد. در سطح کلان (نظریه دورکیم^۲ «فشار اجتماعی» نظریه مرتون^۳ و هایمن^۴ «گروه مرجع» و نظریه پیر بوردیو^۵ «رقابت بدن و عادتواره») در سطح خرد (نظریه جورج هربرت مید^۶ «خودپنداره» و نظریه گافمن^۷

-
- ۱- Nettleton
 - ۲- David Emile Durkheim
 - ۳- Robert k.merton
 - ۴- Herbert Hyman
 - ۵- Pierre Bourdieu
 - ۶- George Herbert Mead
 - ۷- Erving Goffman

«کنش متقابل چهره» در پست مدرن (نظریه میشل فوکو^۱ «قدرت انضباطی بدن» و نظریه ژان بودریار^۲ «خودشیفتگی و از خودبیگانگی مصرفی») می‌باشد. این نظریه‌ها از مهمترین سیاست‌های اعمال شده عملکرد ورزشی در چهارچوب مدیریت بدن و خودپذیرشی در خانم‌های ورزشکار بدنساز می‌باشد. دلیل انتخاب این نظریه‌ها به‌عنوان چارچوب نظریه این پژوهش این است که تأکید این نظریه‌ها در سطح کلان معطوف به تأثیر طبقات اجتماعی گوناگون که به شیوه‌های متفاوتی با بدن خود برخورد می‌کنند و به‌عبارت دیگر بدن افراد با معانی و ارزش‌های گروه مرجع طبقه اجتماعی خود تجلی و انطباق پیدا می‌کند.

در سطح خرد خودپنداره و کنش متقابل اجتماعی در اهمیت یافتن ظاهر بدن و مدیریت آن نقش اساسی دارد. در این نظریه انسان‌ها میل به نمایش بدن خود برای تأثیرگذاری بر دیگران را دارند در اینجا مدیریت بدن بر هویت اجتماعی فرد اثر می‌گذارد و بدن در ارتباط با هویت و خود قرار می‌گیرد و بر این باور افراد از بدن‌هایشان برای شکل دادن به هویت شخصی‌شان استفاده می‌کنند. در این نظریه برای اینکه بتوانیم در تولید و بازتولید روابط اجتماعی و هویت شخصی خود شریک شویم باید بتوانیم نظارتی مداوم و موفق بر چهره و بدن خود اعمال کنیم که این عمل از طریق ورزش بدنسازی آنرا تسریع می‌کند.

در پست مدرن معطوف به قدرت انضباطی بدن و خودشیفتگی و از خودبیگانگی مصرفی در ورزش بدنسازی می‌باشد. در جامعه‌ای که نظام سرمایه‌ای سایه‌ای اعمال قدرت را در همه‌ی زمینه‌ها از جمله بدن‌ها اعمال می‌کند، بدن به یک شیء سیاسی تبدیل می‌شود، که در معرض قدرت انضباطی است این بدن باز تملک شده، بر محور اهداف مستقل فرد قرار نمی‌گیرد، بلکه مبتنی بر اصل هنجارمندی و بازدهی لذت‌طلبانه و نیز الزامات ابزاری است که به‌طور مستقیم توسط رمزگان و هنجارها در جامعه تولید و به سمت مصرف هدایت می‌شود. از خودبیگانگی مصرفی در دختران بدنساز، تعامل بین بدن ورزشکار و خودشیفتگی می‌باشد. ما بین این دو، راز و رمزی است که سرمایه‌داری برای کسب حداکثر سود و بهره‌وری هر چه بیشتر در بازار اقتصاد رقابتی بر روی آن سرمایه‌گذاری می‌کند (مراقبت، اغوا). اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری شده در بخش کیفی از دختران ورزشکار بدنساز در چهارچوب نظریات ذیل می‌باشد و محقق موضوع مورد تحقیق را مطابق با این نظریات دیده است.

جدول شماره (۱):

چارچوب نظری		
کلان	خرد	پست مدرن

۱- Paul Michel foucault

۲- Jean Baudrillard

نظریه دور کیم « فشار اجتماعی »	نظریه جورج هربرت مید « خود پنداره »	نظریه میشل فوکو « قدرت انضباطی بدن »
نظریه مروتون و هایمن « گروه مرجع »	نظریه آلفرد کنتش « کنش متقابل چهره »	نظریه ژان بودریار « خود شیفتگی و از خود بیگانه‌گی مصرفی »
نظریه بوردیو « رقابت بدن و عادتواره »		

روش‌شناسی

پژوهش صورت گرفته با پارادایم پراگماتیسم و روش تحقیق ترکیبی متوالی با طرح اکتشافی صورت پذیرفت. ابتدا در بخش کیفی پژوهش با استفاده از تکنیک گراندد تئوری مبنای مدل استراوس و کوربین^۱ صورت گرفت. سوژه‌های مورد مطالعه در بخش کیفی این تحقیق از طریق نمونه‌گیری نظری و گلوله برفی انتخاب شده‌اند شاخص انتخاب نمونه به این صورت بود: ۱- فرد مشارکت‌کننده مورد نظر می‌بایستی حداقل یک سال در رشته بدنسازی ورزش کرده باشد. ۲- فرد مشارکت‌کننده مورد نظر به فعالیت‌های مدیریت بدن پرداخته باشد در این شیوه از نمونه‌گیری تعداد سوژه‌های تحقیق از پیش مشخص نیستند. سوژه‌ها انتخاب می‌شوند تا اینکه پراکندگی و ویژگی‌های مختلف جامعه هدف را در برگیرد و صرفاً از سوژه‌هایی با یک طیف خاص مشابه و مشترک مصاحبه نشده است. سوژه‌ها با هدف کمک به پر شدن خانه‌های خالی ماتریس نظریه انتخاب می‌شوند و نمونه‌گیری تا زمانی که مفهوم جدیدی از طریق مصاحبه‌ها به دست نیاید و اشباع نظری رخ ندهد، ادامه می‌یابد. در این روش محقق پس از استخراج ۴۹ مورد مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته از سوژه‌ها، پرسش‌هایی در محورهای سه گانه «چیست»، «چرا» و «چگونه» با در نظر گرفتن الزامات مربوط به تنظیم مدل پارادایمی (خود پذیرشی و مدیریت بدن) بر اساس روش نظریه مبنایی صورت پذیرفت. شرکت کنندگان در محدوده سنی ۲۰ تا ۴۵ ساله بودند و در باشگاه‌های ورزشی بدنسازی شرق (باشگاه بدنسازی شرق) و شمال شرق (باشگاه بدنسازی شکوه قیطره) تهران فعالیت ورزشی انجام می‌دادند. مدت مصاحبه با هر ورزشکار ۴۵ دقیقه بود.

سپس، در بخش کمی به شیوه پیمایشی ابتدا پرسشنامه محقق ساخته در یک مطالعه مقدماتی پیش آزمون روی ۲۵ نفر از دختران ورزشکار بدنساز اجرا شد. سپس با توجه به بازخوردهای دریافتی، پرسشنامه اصلاح و نسخه نهایی آن در اختیار ۱۵۰ نفر از دختران ورزشکار بدنساز که بر اساس مراجعه کردن به باشگاه‌های ورزشی از جمله باشگاه‌های ورزشی بدنسازی شرق (باشگاه بدنسازی شرق) و شمال شرق (باشگاه بدنسازی شکوه قیطره) شهر تهران فعالیت ورزشی انجام می‌دادند به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی صورت گرفت و پرسشنامه در بین همه آن‌ها توزیع شد و در نهایت ۱۲۰ پرسشنامه غیرمخدوش به دست محقق رسید این فرایند به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی اجرا شد. در این تحقیق، هدف از پژوهش به مشارکت‌کنندگان توضیح و به آن‌ها در خصوص محرمانه بودن مصاحبه (ضبط صدای مصاحبه‌شوندگان) حفظ رازداری، و اطلاعات شخصی که هویت مصاحبه‌شوندگان افشا نشود، اطمینان خاطر داده شد و به

۱- Strauss and corbin

منظور ارتقاء ضریب اطمینان محتوای مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر تایپ و در فایل‌های مخصوص نگهداری می‌شود.

جدول شماره (۲): وضعیت دموگرافیک (کیفی - کمی) در ورزش بدنسازی

تحصیلات	سابقه ورزشی					سن								
	مجموع	لیسانس	دیپلم	مجموع	۲۰<	۲۰-۱۵	۱۵-۱۰	۱۰-۵	>۵	مجموع	۴۵-۴۰	۴۰-۳۵	۳۰-۲۵	۲۵-۲۰
کیفی	۴۹	۹	۴۰	۴۹	۲	۳	۷	۱۸	۱۹	۴۹	۵	۸	۱۷	۱۹
کمی	۱۲۰	۵۴	۶۶	۱۲۰	۶	۱۶	۲۴	۳۶	۳۸	۱۲۰	۹	۱۱	۱۳	۸۷

در بخش کیفی در پژوهش حاضر به چند روش صورت گرفت:

۱- کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا: در این روش از سوژه‌ها خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن و تفاسیر و برداشت‌های محقق نظر دهند، نیومن این نوع اعتباریابی را اعتبار اعضا می‌نامد.
 ۲- استفاده از تکنیک ممیزی: در این روش چند متخصص و صاحب نظر که در کار کیفی تجربه داشتند بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی، استخراج مقولات و برداشت‌های محقق نظارت کردند.
 ۳- زاویه‌بندی نظری: دنزین در این شیوه از نظریات و رویکردهای نظری مرتبط با موضوع تحقیق در مرحله توسعه مفاهیم حساس و تنظیم نظام مقولات و نیز برای تحلیل و تفسیر نتایج استفاده می‌کند (محمدپور، ۱۳۸۸: ۸۵).

۴- ضریب توافقی کاپا: این ضریب ثبات و همبستگی نمرات بین داوران یا ارزیابان مختلف یک موضوع را می‌سنجد و ضریب توافق نامیده می‌شود و با ضریب کاپا نشان داده می‌شود. نتیجه تحلیل نشان می‌دهد که ۱۰۹ گویه مورد بررسی قرار گرفته است اندازه توافق ضریب کاپا ۰/۸۹۷ به دست آمد. مقدار احتمال آزمون نیز به صورت $P\text{-value} < 0/001$ نشان داده می‌شود. بنابراین به دست می‌آوریم که داوران در تشخیص گویه‌ها و هم‌نظر بودن توافق زیادی با یکدیگر داشتند. در سطح معنی‌داری $\alpha = 0/05$ فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل که هم‌نظر بودن داوران می‌باشد، تأیید می‌شود. آماره Asymptotic Standard Error خطای استاندارد همبسته و Approximate T آماره تقریبی است که در محاسبه ضریب کاپا به کار می‌رود. دستیابی به اعتماد در بخش کمی در پژوهش حاضر به روش ضریب پایانی با آلفا کرونباخ صورت گرفت:

۵- ضریب پایانی با آلفا کرونباخ: با توجه به اینکه پس از ترکیب گویه‌ها لازم است به اعتبار و پایانی گویه‌ها پرداخته شود؛ لذا در ابتدای امر با یک پیش آزمون (با ۲۵ نفر) از طریق تحلیل گویه به‌عنوان تحلیل قابلیت اعتماد (پایانی / روائی / اثبات) نتایج تحقیق و نیز همبستگی درونی گویه‌ها، بر اساس ضریب پایانی با آلفا کرونباخ به روش لی جی کرونباخ، به‌طور هم‌زمان قابلیت اطمینان همبستگی

تحلیل جامعه‌شناختی عملکرد ورزشی با رویکرد خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار . . .

گویه‌ها در متغیرهای اصلی تحقیق مدنظر قرار می‌گیرد. البته در توزیع پارامترهای توصیفی در صورتی که پارامتر انحراف معیار که منحنی نرمال نقاط پراکنش گویه‌ها را در مورد متغیرهای اصلی تحقیق مشخص می‌کند. از میانگین محاسبه شده در هر شاخص کمتر باشد، این خود نشانه توزیع بهنجار گویه‌ها در متغیرهای اصلی تحقیق می‌باشد و این مهم با استناد به ضریب پایانی قابلیت اعتماد گویه‌های مندرج در متغیرهای اصلی تحقیق را به اثبات می‌رساند. از دیدگاه لی جی کرونباخ استفاده از ضریب روایی یا پایایی یکی از روش‌های نیکوئی سنجش متغیرهای اصلی تحقیق است که به کمک آزمون تحلیل گویه‌ها همزمان قابلیت اطمینان همبستگی گویه‌ها انجام می‌گیرد (دواس، ۱۳۷۶: ۲۶۲-۲۵۳). البته همه گویه‌های تشکیل‌دهنده متغیرهای اصلی تحقیق، می‌بایست از پایایی، ثبات و سنخیت درونی قابل قبولی برخوردار باشند چنانچه آلفای کرونباخ بزرگ‌تر و مساوی ۷۰٪ باشد. گویه‌های ذیربط حفظ می‌گردد؛ و اگر آلفای کرونباخ کمتر از ۷۰٪ باشد. گویه‌های ذیربط حذف می‌گردد؛ اما اینکه کدام گویه(ها) را می‌بایست حذف کرد؛ منوط به محاسبه آلفا به شرط حذف گویه می‌باشد؛ یعنی در مقابل هر گویه هر قدر محاسبه آلفا به شرط حذف گویه، بیشتر گردد؛ این امر نشان‌دهنده این است که باید گویه مربوطه مورد کنترل (تفکیک/ حذف / خنثی) قرار گیرد؛ تا آلفای کرونباخ کل ارتقاء یابد (جدول ۳). علاوه بر این، در پژوهش حاضر جهت سنجش روایی از معیارهای اسکینز، ادواردز و کوریت (۲۰۱۴) که در جدول شماره ۶ به آن اشاره شده است استفاده شد.

جدول شماره (۳): ضریب پایانی با آلفای کرونباخ

متغیرها	آلفای کرونباخ
شرایط علی	۰/۹۲۹
شرایط مداخله‌گر	۰/۹۱۱
شرایط زمینه‌ای	۰/۹۳۰
راهبردها	۰/۹۱۸
پیامدها	۰/۹۳۹
عملکرد ورزشی	۰/۹۳۱
خود پذیرشی	۰/۹۱۵
مدیریت بدن	۰/۸۶۹
کل پرسشنامه	۰/۹۷۷

جدول شماره (۴): روش‌های اطمینان از روایی

معیار	شرح	اقدامات صورت گرفته	نتایج
اعتمادپذیری	میزانی که نشان می‌دهد نتایج حاصل از تحقیق تا چه حد نماینده داده‌های تحقیق است.	تظارت اعضاء تیم تحقیق بر فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها مرور مصاحبه‌های کدگذاری شده و ارزیابی تفسیرهای صورت گرفته مصاحبه‌های مجدد با خبرگان و متخصصان	تفسیرهای افراد در قالب مصاحبه‌های صورت گرفته ارزیابی گردید.
انتقال پذیری	میزانی که قابلیت به کارگیری یافته‌های تحقیق را در موقعیت‌های مشابه نشان می‌دهد.	بررسی‌های صورت گرفته در بستر سؤالات تحقیق مطالبات نظری صورت گرفته بررسی ایجاد موضوعی تحقیق در حین انجام مصاحبه‌ها	مفاهیم نظری استخراج گردید.
اتکاپذیری	میزانی که منحصر بوده یافته‌ها به زمان و مکان را نشان می‌دهد.	بررسی تجربیات مدیران، بازیکنان و مربیان و خبرگان در قالب مصاحبه‌های صورت گرفته	ایجاد متعددی از رویداد مورد بررسی و ارزیابی واقع گردید.

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال نوزدهم، شماره هفتاد و دوم، بهار ۱۴۰۱

معیار	شرح	اقدامات صورت گرفته	نتایج
عمومیت	میزانی که نشان می‌دهد یافته‌ها ابعاد مختلف پدیده مورد بررسی را در خود جای داده‌اند.	ارزیابی مقایسه‌ای متون مربوط به مصاحبه‌های صورت گرفته انجام ۴۹ مصاحبه در نشست‌های تخصصی	ابعاد بسیاری شناسایی شده‌اند.
تصدیق پذیری	میزان که نشان می‌دهد تا چه حد تفسیرهای صورت گرفته برآمده از مصاحبه‌شوندگان است و تحت تأثیر سوگیری محقق نبوده است.	بررسی مقایسه‌ای و تحلیلی مصاحبه‌های صورت گرفته تطبیق تجربیات افراد با سطح نظری مصاحبه‌ها	بسط و بالایش تفسیرها
راستی	میزان که نشان می‌دهد تفسیرها تحت تأثیر اطلاعات نادرست و یا طفره رفتن قرار گرفته است.	مصاحبه‌ها به صورت بی‌نام و بدون استفاده از تدابیر زمانی و مکانی صورت گرفته‌اند.	شواهدی یافت نشد.
تطابق	میزانی که نشان می‌دهد یافته‌ها با ساختار ذهنی افراد تطبیق دارند.	مقایسه تجربیات افراد و کدهای استخراج شده و بررسی سطح اعتمادپذیری و تصدیق‌پذیری	حداکثر تطابق با قالب ذهنی افراد کشف شد.
فهم‌پذیری	میزانی که نشان می‌دهد نتایج حاصله تا چه اندازه نماینده‌ای از جهان واقعی است.	اطلاعات به‌دست آمده با مدارک و مستندات موجود مقایسه گردید.	حداکثر تطابق با قالب ذهنی افراد کشف شد.
کنترل‌پذیری	میزانی که نشان می‌دهد تا چه حد بر ابعاد قابل کنترل هستند.	مقایسه نتایج حاصل از مطالعات مشابه با دستاوردهای نظری این تحقیق	شناسایی متغیرهای کنترل

یافته‌ها

در روند تحلیل مطالعات کیفی براساس سه مرحله انتخاب کدهای باز، تعیین کدهای محوری و درنهایت معرفی کدهای گزینشی یا انتخابی می‌باشد که تشریح می‌گردد:

۱- کدگذاری باز: کدگذاری باز عبارت است از نسبت دادن کدهای مفهومی و مقوله‌ای به هر کوچک‌ترین واحد معنادار از محتوای متنی هدف که در جدول ۷ به‌عنوان نمونه کدگذاری باز بیان شده است.

جدول شماره (۵): کدگذاری باز

ردیف	مقوله (مقوله‌سازی سطح اول)	کد	گزاره
۱	تصویر و نگاه ابزاری به بدن	ENIN	با انجام ورزش بدنسازی می‌توانم با خشونتی که از اطرافیان و جامعه نسبت به من اعمال می‌شود از خود دفاع کنم.
۲	برچسب، متلک، مسخره	ENIN	از شنیدن سخنان شبیه به متلک و طعنه در خصوص قیافه و اندامم ناراحت می‌شوم.
۳	حمایت مربی	ENIN	مربی‌ام در تمرینات بدنسازی من را حمایت می‌کند.
۴	مسابقات بدنسازی	ENIN	شرکت در مسابقات بدنسازی خارج از کشور برایم مهم است.
۵	تکنولوژی ارتباطی نوین	ENIN	تکنولوژی ارتباطی نوین در اجرای ورزش بدنسازی خانم‌ها اهمیت دارد.
۶	نمایش ویژگی‌های بدن و زیبایی ظاهری	ENIN	جهت نمایش ویژگی‌های بدن و زیبایی ظاهرم: استفاده از تنو مهم است.
۷	مدیریت بدن	ENIN	اندام لاغر نشانه زیبایی زن است.
۸	عملکرد ورزشی	ENIN	من سطح بالایی از اعتماد به نفس دارم که باعث می‌شود باور کنم که می‌توانم هر چیزی را که در ذهن دارم به دست بیاورم.
۹	چاقی	ENIN	اضافه وزن برای من غیر قابل تحمل است.
۱۰	نمایش بدن	ENIN	انجام ورزش بدنسازی به من کمک می‌کند که زیبایی ظاهرم را در معرض نمایش قرار دهم.

کدگذاری محوری: در این نوع کدگذاری مفاهیم و مقوله‌هایی که در مرحله کدگذاری باز تعیین و آزاد شده‌اند، در ترکیبی جدید به یکدیگر متصل می‌شوند. در این مرحله مشخص می‌شود که مقوله‌های فرعی به‌دست آمده در بخش کدگذاری باز کدام‌اند و چگونه می‌توان این مقوله‌ها را در قالب یک مدل پارادایمی بر اساس رویکرد استراوس و کوربین تعیین و ترکیب نمود تا تصویر روشن‌تر و معقول‌تری از شرایط علی،

تحلیل جامعه‌شناختی عملکرد ورزشی با رویکرد خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار . . .

شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی و مداخله‌گر، راهبردها و استراتژی‌های کنش و کنش متقابل و پیامدها به دست آید (جدول ۶).

جدول شماره (۶): کدگذاری محوری



تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال نوزدهم، شماره هفتاد و دوم، بهار ۱۴۰۱

۱- ویژگی‌های شخصیتی:	۱- من کلاً نسبت به موضوعات مربوط به قیافه ظاهری ام حساس هستم. ۲- من از شکل بدن خویش راضی نیستم و احساس زشت بودن می‌کنم.
شرایط علی (مقوله ۳ تا ۳)	۲- علل فردی ویژگی بدنی: ۱- اضافه وزن برای من غیر قابل تحمل است. ۲- از پیر شدن و ناتوان شدن نگرانم.
۳- تصویر و نگاه ایزاری به بدن	۱- با انجام ورزش بدنسازی می‌توانم با خوشی که از اطرافیان و جامعه نسبت به من اعمال می‌شود از خود دفاع کنم. ۲- موفقیت در رشته بدنسازی برای من درآمد ایجاد می‌کند.
۴- نوع تغذیه	۱- نوع تغذیه من در راستای اهداف ورزشی ام می‌باشد.
۵- مداخله گر حمایتی	۱- حمایت مالی خانواده در حسن انجام تمرینات بدنسازی مهم است. ۲- دوستان و همکاران ام مرا در انجام تمرینات بدنسازی حمایت می‌کنند.
شرایط مداخله گر (مقوله ۴ تا ۷)	۶- فضای باشگاه و مسابقات بدنسازی ۱- شرکت در مسابقات بدنسازی خارج از کشور برایم مهم است. ۲- جو و محیط حاکم بر باشگاههای بدنسازی مشوق من در انجام بدنسازی است.
۷- دیدگاه‌ها نسبت به بدنسازی	۱- نگاه عمومی جامعه نسبت به خانم‌های بدنساز مثبت است. ۲- افراد امروزی جامعه نسبت به ورزش بدنسازی دیدگاههای مثبت دارند.
شرایط زمینه‌ای (مقوله ۸)	۸- تکنولوژی ارتباطی نوین ۱- تکنولوژی ارتباطی نوین در اجرای ورزش بدنسازی خانم‌ها اهمیت دارد. ۲- تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات در تغییر دیدگاه جامعه نسبت به بدنسازی خانم‌ها اهمیت دارد.
۹- نمایش ویژگی‌های بدن و زیبایی ظاهر	۱- جهت نمایش ویژگی‌های بدن و زیبایی ظاهراًم: استفاده از تنو مهم است. ۲- جهت نمایش ویژگی‌های بدن و زیبایی ظاهراًم: استفاده از پیرسینگ مهم است. ۳- جهت نمایش ویژگی‌های بدن و زیبایی ظاهراًم: آرایش‌های جدید موی سر مهم است.
راهبردها (مقوله ۹ تا ۱۱)	۱۰- مدیریت بدن ۱- انجام ظریف بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. ۲- به نظر من آرایش بیشتر مخصوص میهمانی و مجالس است. ۳- انجام لاغرنشانه زیبایی زن است.
۱۱- پتانسیل و توان	۱- من برای کسب موفقیت در بدنسازی از حداکثر توانم استفاده می‌کنم. ۲- برای کسب موفقیت در ورزش بدنسازی گرفتن مشاوره از آقایان بدنساز مهم است.
۱۲- پیامد شخصیتی	۱- من در برقراری ارتباط مثبت با دیگران توانمندم. ۲- من از طریق ورزش بدنسازی توانسته‌ام شریک زندگی ام را پیدا کنم.
پیامدها (مقوله ۱۲ تا ۱۴)	۱۳- پیامد اجتماعی ۱- من در ارتباط با ورزش بدنسازی شغل بدست آورده‌ام. ۲- من از طریق ورزش بدنسازی جذب باشگاه‌های خارجی شده‌ام. ۳- ورزش بدنسازی باعث تمایز من در روابط اجتماعی شده است.
۱۴- عملکرد ورزشی	۱- زمانی که در طول یک مسابقه کنترل خود را از دست می‌دهم، درست در زمان مناسب دوباره می‌توانم کنترل رفتار و عملکرد خود را به دست بگیرم. ۲- من قادرم با تیم خودم به‌طور کاملاً مؤثری ارتباط برقرار کرده و در طول مسابقه با هم هماهنگ شوم. ۳- من قادرم توجه ام را به روی عملکرد خودم متمرکز کرده و آن را حفظ کنم و هر زمانی که تمرکزم را از دست دادم، سرعت می‌توانم آن را برگردانم. ۴- قبل از شروع مسابقه، من دقیقاً عملکردی را که می‌خواهم در مسابقه واقعی داشته باشم برای خودم تجسم می‌کنم.
پدیده (مقوله ۱۵)	۱۵- خودپدیرشی ۱- به‌طور کلی، من نسبت به خودم احساس اطمینان و حس مثبتی دارم. ۲- من بیشتر جنبه‌های شخصیتیم را دوست دارم. ۳- زمانی که خودم را با دوستان و آشنایانم مقایسه می‌کنم، از اینکه که هستم حس خوبی به من دست می‌دهد.

کدگذاری انتخابی: براساس کدگذاری‌های باز و محوری، مقوله اصلی، مقولات فرعی و مفاهیمی که جهت ساختن چارچوب نظری اولیه انتخاب و تنظیم شدند، در مدلی پارادایمی با یکدیگر مرتبط گردیده تا به‌طور صریح مسأله یا موضوع مورد تحقیق براساس تفاهم متقابل محقق و سوژه توصیف و بیان شود. در این مرحله مقولات فرعی تر نیز شناسایی گردیده و در یک سلسله روابطی می‌توان آن‌ها را به مقوله

تحلیل جامعه‌شناختی عملکرد ورزشی با رویکرد خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار . . .

بزرگتر متصل نمود تا بیان و تفسیری جامع‌تر و کامل‌تر از پدیده مورد نظر و چپستی آن (شرایط علی)، شرایط میانجی، زمینه‌ها، کنش و کنش متقابل با راهبردهای استراتژیک و پیامدها ارائه شود جدول زیر الگوی کدگذاری انتخابی در جدول ۷ را بیان می‌کند.

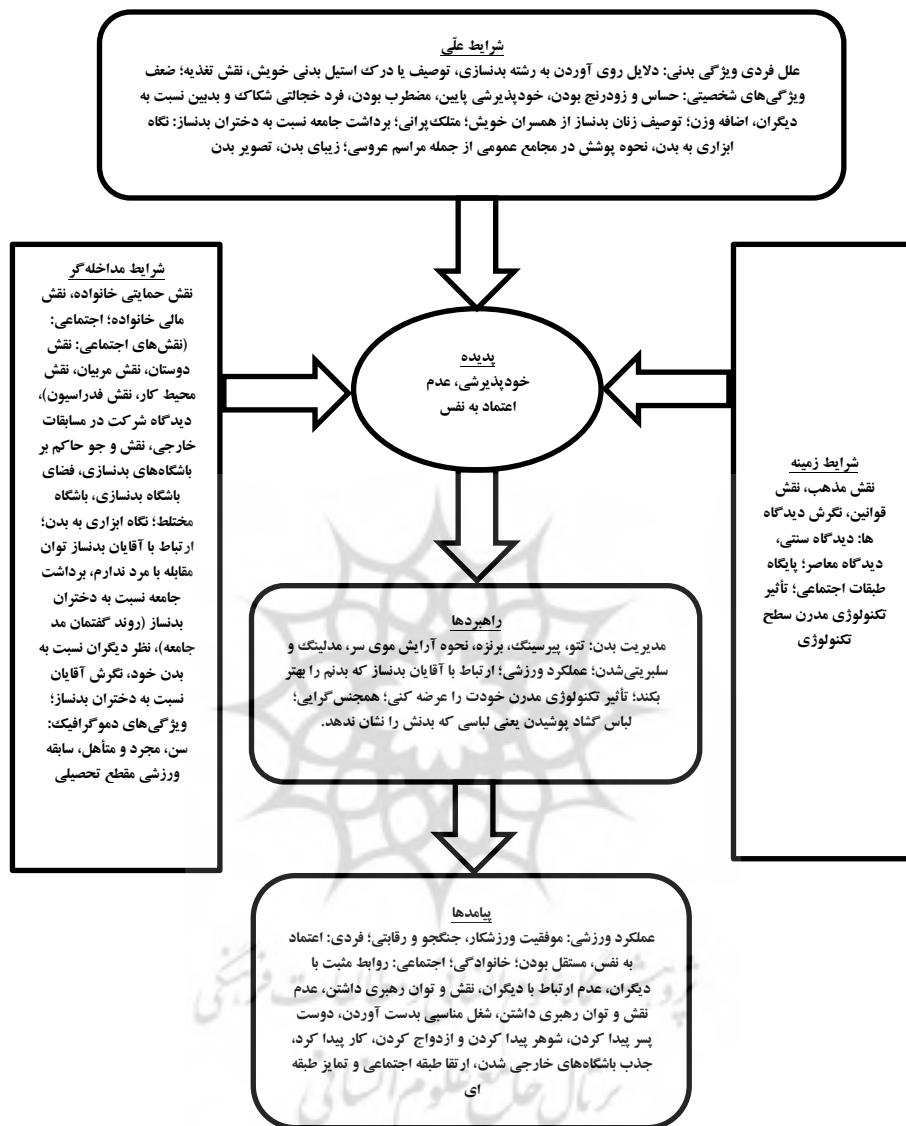
جدول شماره (۷): کدگذاری انتخابی

مقوله اصلی	مقوله‌های منتخب (ابعاد)	مقوله
		ویژگی بدنی
		همدلی شناختی و عاطفی
مقوله‌های شرایط علی	عوامل فردی	ویژگی شخصیتی
		خوش خلقی
پدیده محوری	خود پذیرشی	عدم اعتماد به نفس
		نوع تغذیه
عوامل مداخله‌گر	مداخله‌گر حمایتی	فضای و جو جاکم بر باشگاه بدنسازی
		فضای و دیدگاه جاکم بر جامعه
		حمایت باشگاه و اطرافیان
شرایط زمینه‌ای	شرایط لازم	کنولوژی ارتباطی نوین
		عوامل موقعیتی
راهبردها	استراتژی مدیریت بدن	نمایش ویژگیهای بدن و زیبایی ظاهر
		پشتکاری و توان ورزشی
		ارتقاء عملکرد ورزشی
	پیامد شخصی	توان رهبری داشتن
		پیامدهای فردی
پیامدها		تعارض بین فردی
	پیامدهای اجتماعی	ارتقاء طبقه اجتماعی
		نمایش طبقه اجتماعی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره (۸): مدل پارادایمی عملکرد ورزشی رشته انفرادی (بدنسازي) خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال نوزدهم، شماره هفتاد و دوم، بهار ۱۴۰۱



یافته‌های کیفی

تحلیل جامعه‌شناختی عملکرد ورزشی با رویکرد خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار . . .

شرایط علی: در تحقیق حاضر شرایط علی به مجموعه‌ای از علل و عوامل ایجابی و ایجاد‌ی پدیده خود‌پذیرشی و مدیریت بدن از منظر سوژه‌ها اشاره دارد. در ذیل یکی از روایت‌های موجود ذکر شده است: «خانم م. ت. می‌گوید: من یک دختر ۲۶ هستم حدود ۹ سال پیش یک باشگاه بدنسازی در نزدیکی محل سکونت ما افتتاح شد. در این بین من دختری و پسرهایی را می‌دیدم که برای ورزش کردن به این باشگاه می‌رفتند یک نوع حسی به من دست داد که اینها مثل اینکه به نوعی از اعتماد به نفس بالایی نسبت به اندام و استایل بدنی خود برخوردارند و این زیر نظر گرفتن‌ها تا جایی پیش رفت که من نسبت به بدن خودم که کمی لاغر بودم و هیچ عضله‌ای نداشتم دچار اذیت و عدم اعتماد به نفس شدم و تصمیم گرفتم که به آن باشگاه بروم و شروع به انجام تمرینات بدنسازی کنم تا به این وسیله بتوانم خودم را به سطح آنان برسانم و عدم اعتماد به نفسم را کاهش دهم». این یافته‌ها با پارادایم تعریف اجتماعی و نتایج پژوهش‌های جورج هربرت مید همسو است. خودپنداره یعنی تصور فرد از خود را محصول داوری‌ها و ارزیابی‌های دیگران مهم پیرامون و دیگران تعمیم‌یافته می‌داند. دیگری تعمیم‌یافته جورج هربرت مید (نگرش کل اجتماع یا هر جمعی که کنشگر در آن شرکت می‌کند) اندیشه انتزاعی و عینیت را امکان‌پذیر می‌سازد. (جرج ریتزر، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

پدیده محوری: پدیده طرح تئوری است که ممکن است نام طرح یا چارچوب طرح را در برداشته باشد. مفهومی است که متغیرها را دو به دو در کنار هم قرار می‌دهد. شرایط علی خودپذیرشی و مدیریت بدن بر اساس اظهارات مصاحبه‌شونده‌ها به دو مقوله عمده مربوط به پدیده ذهنی منجر شده‌اند: ۱- خودپذیرشی ۲- عدم اعتماد به نفس. در ذیل یکی از روایت‌های موجود ذکر شده است: «خانم ن. ع. می‌گوید: خانواده‌ام به من می‌گفتند اندام خیلی خوبی داری برای خودت یک پا مرد هستی و فقط کلاه نداری، هر کاری که بخواهی می‌توانی بکنی و مربی‌ام هم من را توی باشگاه نشان بقیه دخترها می‌داد و می‌گفت این برای خودش رستم دستانی هستش و من هم همچنین احساسی دارم که برای خودم یلی هستم و یک لشکر را حریفم. الان می‌توانم به جرأت بگویم که هر کاری می‌خواهم می‌توانم بکنم. حتی می‌توانم اگر پاش برسد به راحتی یک تنه با چند تا مرد دست‌وپنجه نرم کنم و حسابی خدمتشان برسم و آن‌ها را به قول معروف سوسک کنم چون اندام من یک اندام خاص و هرکولی است و همه از اندام من حساب می‌برند». خودپذیرشی بخش شناختی خود می‌باشد و آموختنی است که در تجارب فرد حاصل می‌شود اما اعتماد به نفس، ارزشیابی عاطفی نسبت به خود است که معمولاً بر اساس ویژگی‌های مثبت یا منفی فرد سنجیده می‌شود. هر چند که مدیریت بدن، معلول مجموعه‌ای از عوامل فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و . . . است، اما برداشت منفی از خود، عدم اعتماد به نفس و خودپذیرشی ضعیف می‌تواند عامل مؤثری در نوع

۱- George Ritzer

نگرش فرد به مسأله مدیریت بدن باشد. خودپذیرشی و اعتماد به نفس یکی از مفاهیم محوری در شناخت اجتماعی است. خود پذیرشی به عنوان یکی از مفاهیم شامل کلیه کیفیت‌های ذهنی و عینی است که شخص از خود و دیگران از او دارند. آگاهی از خود نشان دهنده جنبه‌ی مهمی از تجربه‌ی پدیدارشناختی یا ذهنی انسان است. افراد دارای دو نوع خود هستند: خود واقعی و خود ایده‌آل؛ خود واقعی، مربوط به تصورات و نگرش‌هایی است که فرد به‌طور واقع‌بینانه‌ای نسبت به خود دارد و در واقع خودی است که شخص هم‌اکنون هست. خود ایده‌آل نیز مربوط به خودی است که فرد دوست دارد آنگونه باشد. خودپذیرشی افراد بر اساس فاصله‌ای تعیین می‌شود که بین خود واقعی و خود ایده‌آل آن‌ها وجود دارد. در اینجا، می‌توان به ویژگی بارز افراد دارای شخصیت خودشیفته اشاره کرد که شامل حس خودبزرگ‌بینی و در عین حال خودشکننده است. شاید بتوان حس خودبزرگ‌بینی را به خود ایده‌آل و خودشکننده را به خود واقعی این افراد نسبت داد.

شرایط زمینه‌ای: شرایط زمینه‌ای منشأ در شرایط علی و دخیل دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آن‌ها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون می‌باشد. در ذیل یکی از روایت‌های موجود ذکر شده است: «خانم ج. ف. می‌گوید: در خانواده ما هرکسی مشغول یک کاری هست و چون یکی از برادرانم به کار پخش و توزیع مکمل‌های بدنسازی مشغول است از من خواست که به باشگاه بروم و هم ورزش کنم و هم به نوعی با تبلیغات به‌عنوان فروشنده مشغول به کار شوم چون به من قول داد هم ماهیانه حقوق خوبی به من بدهد و هم در درصدی از فروش من را شریک کند. می‌توانم به یقین بگویم که در این میان من هم پول خوبی به جیب زدم و توانستم با مدیر باشگاه صمیمی شوم و هزینه شهریه باشگاه را نصف بیشتر از من نمی‌گرفت و همچنین یک مربی خوبی به من معرفی کرد و خیلی زود به اون اندام ایده‌آلی که می‌خواستم رسیدم و از این نظر راضی هستم». این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیر بردیو همسو است. مدیریت بدن از نظر بردیو حاصل رابطه‌ی متقابل پایگاه طبقات اجتماعی، عادت‌واره و سلیقه‌ی افراد است، که علاوه بر اعطاء سرمایه‌های سمبلیک و خرده‌فرهنگی به آن‌ها فرصتی برای دنبال کردن «تمایز»، شیوه‌ای برای هویت‌یابی و تعقیب سبک زندگی مطلوب خویش و در نهایت استفاده‌ی ابزاری از این سرمایه بدنی با تبدیل آن به فرصت‌ها و امتیازاتی در زندگی شخصی و اجتماعی فراهم می‌کند. بنابراین، با توجه به اینکه امروزه مدیریت بدن از طریق کردارهایی مثل ورزش بدنسازی، آرایش کردن، رژیم‌های غذایی و . . .، توانسته است رنگ و نماد تمایز بخشی به خود بگیرد و به‌عنوان حامل هویت شخصی افراد نیز عمل کند؛ از این رهگذر می‌توان تمایزات رفتاری و نگرشی افراد را از طریق تفاوت الگوهای مدیریت بدنشان تفسیر کرد (ذکایی، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

شرایط مداخله‌گر و میانجی: منظور از شرایط مداخله‌گر به عوامل و عناصری مناسب یا نامناسب اشاره دارد که اثرات یک یا چند عامل تغییر را کندتر یا فعال‌تر می‌سازند. در ذیل یکی از روایت‌های موجود ذکر

شده است: «خانم ث. س. می‌گوید: من سال چهارم رشته تربیت بدنی هستم و چون دوتا از دوستان صمیمی من و در اصل هم‌خوابگاهی من در رشته بدنسازی و ورزش‌های رزمی کار می‌کردند و من هم اوقات فراغتم را با این دوستان در باشگاه بدنسازی سپری می‌کردم و این باعث علاقه‌مندی من به این رشته شد و در این میان باهمین ورزش کردنم کمکم حس کردم بدنم دارد یک فرم و شکل خاصی به خود می‌گیرد که بسیار مورد تأیید و محل تعجب خانواده و دوستانم در شهرستان شد و چون بازخورد خوبی از آن گرفتم تصمیم دارم ادامه بدهم و حرفی برای گفتن در این رشته داشته باشم». این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های مرتون و هایمن همسو است. اصطلاح گروه مرجع اولین بار توسط هربرت هایمن^۱ در ۱۹۴۲ ضمن مطالعه‌ای که او از طبقات اجتماعی انجام می‌داد مطرح شد. او دریافت که افراد پایگاه وابسته خود به گروه را مورد ارزیابی قرار داده و گروه مرجع را به‌عنوان چارچوب قضاوت برای خود انتخاب می‌کنند. بنابراین یک گروه مرجع به‌عنوان الگویی برای تصمیم‌گیری افراد و جهت‌گیری آن‌ها در یک مسیر مشخص و یا انتخاب یک عمل مورد استفاده قرار می‌گیرد، افراد از این گروه‌ها برای تعیین موقعیتی که مناسب تشخیص می‌دهند، به‌عنوان محور و مرجع فعالیت خود استفاده می‌کنند (دوچ و کراوس^۲، ۱۳۷۴: ۲۰۵).

کنش و تعامل (راهبردها): استراوس و کوربین راهبرد را چگونگی مدیریت تنها توسط افراد در مواجهه با مسائل تعریف می‌کنند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۵). در ذیل یکی از روایت‌های موجود ذکر شده است: «به‌عنوان مثال خانم ن. ع. می‌گوید: الان من در حدود ۲۸ سال سن دارم و تقریباً از ۵ الی ۶ سالگی با برادرانم که از من بزرگتر بودند به تشویق فامیل که خانه ما می‌آمدند شروع به گرفتن کشتی و میچ انداختن می‌شدم این اتفاق بعد از دوران بلوغ و سن ۱۶ و ۱۷ سالگی شدیدتر شد چون همیشه برنده این مسابقات من بودم و از نظر استایل بدنی درشت‌تر بودم در این میان افتخار کردن پدر و مادر و تشویق دیگران همیشه برای من انگیزه‌ای شد که من تو این رشته نیز حتی از برادرانم سرآمد باشم و خیلی باعث خوشحالی من است و به خودم و توانایی‌هایم افتخار می‌کنم». این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های گافمن همسو است. شالوده نگاه گافمن به ورزش، بر پایه دیدگاه «کنش متقابل» شکل گرفته است. به‌عبارت ساده‌تر، موضوع مورد علاقه گافمن چگونگی کوشش انسان‌ها برای تأثیر آرمانی گذاشتن بر دیگران است. ما نیز در زندگی روزانه مشغول «تئاتر بازی کردن هستیم». انسان در زندگی روزانه انرژی زیادی را صرف به اصطلاح «کار چهره‌ای» می‌کند تا تصویر خوبی از خود در ذهن دیگران ایجاد کند. گافمن «چهره» را ارزش اجتماعی مثبتی می‌داند که انسان با راهبردهای رفتاری مناسب آنرا کسب می‌کند. این راهبردهای رفتاری سبب می‌شوند تا دیگران فرض کنند که فرد در کنش متقابل

۱- Herbert Hyman

۲- Deutsch & Krauss

چگونه رفتار می‌کند. صورت در مقوله‌های جامعه‌شناختی پذیرفته‌شده، تصویر از خود است، اما تصویری که برای دیگران پذیرفتنی است (ویس^۱، ۱۳۸۹: ۱۶۲-۱۶۱).

پیامدها: آخرین اصطلاح پارادایمی در روش نظر به مبنایی استراوس و کوربین پیامدهاست. در ذیل یکی از روایت‌های موجود ذکر شده است: «خانم م. ر. می‌گوید: شروع کردن به ورزش بدنسازی برای من از یک اتفاق خیلی ساده استارت زده شد به این شکل که من دنبال یک کار نیمه‌وقت می‌گشتم یکی از دوستانم، باشگاهی را به من معرفی کرد که برای ثبت نام و هماهنگی مشتریان نیاز به یک منشی داشتند رفتم و خودم را معرفی کردم چون کار با کامپیوتر و برنامه نرم‌افزاری وارد بودم پذیرفته شدم. بعد از مدتی دیدم خودم هم علاقه‌مند شدم که بروم در سالن و ورزش کنم با یکی از مربیان صحبت کردم موافقت کرد و برنامه ورزشی به من داد که اتفاقاً خیلی خوب جواب گرفتم و علاقه‌مند شدم و در حال حاضر نیز دارم ادامه می‌دهم». این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های بورديو همسو است. بر مبنای نظر بورديو، «بدن» به‌عنوان عنصری اجتماعی، خواهی‌نخواهی عرصه‌ستیز و رقابت طبقات اجتماعی در میدان ورزش محسوب می‌شود. از این‌رو، طبقات مختلف اجتماعی بر سر موضوع آثار احتمالی ورزش و فعالیت‌های بدنی با یکدیگر توافقی ندارند، چه در سطح بیرونی بدن، مثل نشان دادن قدرت از طریق عضلات برجسته و برآمده و یا برعکس، نشان دادن شخصیت و هوشمندی از طریق بدنی ظریف، با وقار و البته زیبا و چه در سطح درونی بدن، مثل سلامتی، تعادل ذهنی و غیره. ژاک دوفرانس^۲ به‌طور هوشمندانه‌ای نشان می‌دهد که ورزش می‌تواند برای دو هدف، نمایش بیرونی و درونی به‌کار گرفته شود: تولید بدنی قوی که واجد نشانه‌های بیرونی قدرت است، یعنی هدف مورد نظر طبقه کارگر که توسط ورزش بدن‌سازی و پرورش اندام تأمین می‌شود، یا تولید «بدنی سالم» که هدف مورد نظر طبقه سرمایه‌داری و یا فرادست جامعه است که توسط آمادگی جسمانی، ایروبیک و یا ورزش‌های دیگری که کارکردشان اساساً «بهداشتی و سلامتی» است تحقق می‌یابد (روحی، ۱۳۹۲: ۱۷).

یافته‌ها کمی

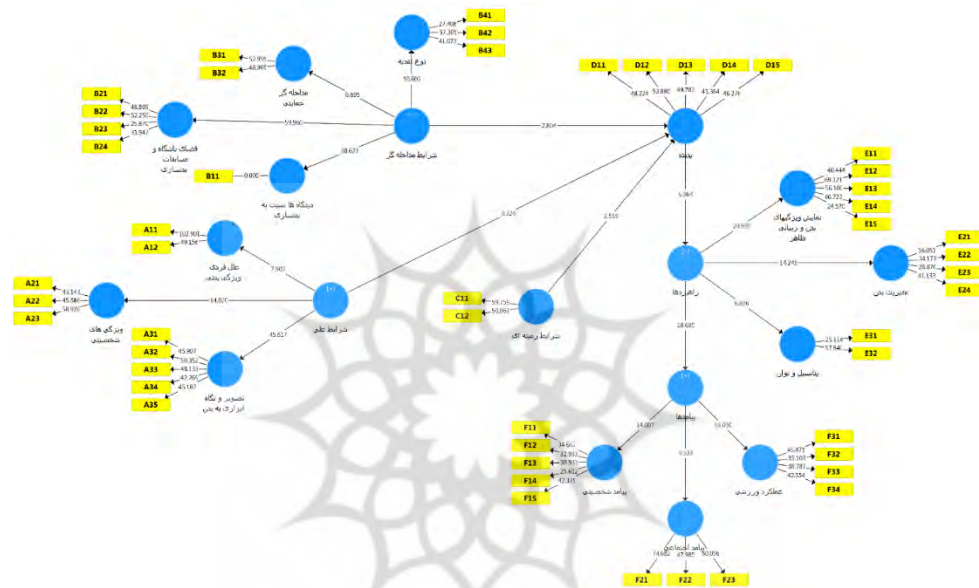
در این راستا محقق با استفاده از تکنیک گراندد تئوری مبنای مدل استراوس و کوربین، مصاحبه با دختران ورزشکار بدنساز صورت گرفت و سپس در بخش کمی به شیوه پیمایشی ابتدا پرسشنامه محقق ساخته در یک مطالعه مقدماتی روی ۲۵ نفر از دختران ورزشکار بدنساز اجرا شد. با توجه به بازخوردهای دریافتی، پرسشنامه اصلاح و نسخه نهایی آن در اختیار ۱۲۰ نفر از دختران ورزشکار بدنساز قرار داده شد.

۱- Otmar Weib

۲- Jacques Defrance

تحلیل جامعه‌شناختی عملکرد ورزشی با رویکرد خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار ...

در این خروجی از مدل سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی ال اس^۱ برای تدوین مدل تحلیل عاملی تأییدی و معادلات ساختاری استفاده شده است که مدل تأیید گرفته شده برای مدل کیفی (مدل مفهومی) فرضیاتی را آزمون کرده است که بر اساس مدل پارادایمی به‌دست آمده در روش جی تی و تحلیل عاملی منجر به توسعه فرضیات شده است که این مدل مفهومی پرداخته شده محکی برای اعتبار «نظریه بر پایه^۲ تلقی و نظریه خلق شد.



شکل شماره (۱): مدل در حالت تخمین ضرایب معناداری

به‌منظور تحلیل ساختار پرسشنامه و کشف عوامل تشکیل‌دهنده هر متغیر از بارهای عاملی استفاده شده است. نتایج بارهای عاملی در جدول ۱۱ نشان داده شده‌اند. بارعاملی نشان‌دهنده این موضوع است که چه میزان از واریانس‌های شاخص‌ها توسط متغیر مکنون خود توضیح داده می‌شود. مقدار این شاخص باید از ۰/۵ بزرگ‌تر و در فاصله اطمینان ۹۵٪ معنادار باشد. معنی‌داری این شاخص توسط بوتاسترپ یا جک‌فینگ بدست می‌آید. شاخصی که بار عاملی بیشتری داشته باشد، اهمیت بالاتری در اندازه‌گیری مؤلفه مربوطه دارد. تمامی شاخص‌ها دارای بارعاملی بزرگتر از ۰/۵ و مقدار آماره تی بیشتر از ۱/۹۶ بوده اند (سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ شده است).

۱- Smart pls

۲- Grounded Theory Method (GTM)

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال نوزدهم، شماره هفتاد و دوم، بهار ۱۴۰۱

جدول شماره (۹): نتایج بارهای عاملی مرتبه دوم

متغیرهای اصلی	مؤلفه	بار عاملی	آماره تی	سطح معناداری	نتیجه
شرایط علی	تصویر و نگاه ایزاری به بدن	۰/۸۹۶	۴۵/۶۱۷	۰/۰۰۰	تأیید
	علل فردی ویژگی بدنی	۰/۶۱۳	۷/۹۰۲	۰/۰۰۰	تأیید
	ویژگی‌های شخصیتی	۰/۷۴۳	۱۴/۰۲	۰/۰۰۰	تأیید
راهبردها	مدیریت بدن	۰/۷۴۲	۱۴/۲۴۵	۰/۰۰۰	تأیید
	نمایش ویژگی‌های بدن و زیبایی ظاهر	۰/۸۷۶	۲۹/۹۹۳	۰/۰۰۰	تأیید
	پتانسیل و توان	۰/۵۶۴	۶/۶۹۶	۰/۰۰۰	تأیید
شرایط مداخله‌گر	دیدگاه‌ها نسبت به بدنسازی	۰/۸۶	۳۸/۶۲۷	۰/۰۰۰	تأیید
	فضای باشگاه و مسابقات بدنسازی	۰/۹۰۷	۵۹/۹۶	۰/۰۰۰	تأیید
	مداخله‌گر حمایتی	۰/۵۳۳	۶/۶۹۵	۰/۰۰۰	تأیید
پیامدها	نوع تغذیه	۰/۶۹۲	۱۰/۸۰۲	۰/۰۰۰	تأیید
	عملکرد ورزشی	۰/۷۷۴	۱۶/۰۳	۰/۰۰۰	تأیید
	پیامد اجتماعی	۰/۶۹۵	۹/۵۳۳	۰/۰۰۰	تأیید
	پیامد شخصیتی	۰/۷۶۶	۱۴/۰۰۷	۰/۰۰۰	تأیید

در این پژوهش برای ارزیابی مدل تحلیل عاملی تأییدی از شاخص بسیار مهم ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (SRMR) استفاده شده است. حد مجاز این شاخص ۰/۱ می‌باشد. برای این مدل مقدار این شاخص ۰/۰۸۸ شده است و با توجه به اینکه از مقدار ۰/۱ درصد کمتر می‌باشد می‌توان گفت مدل برازش مناسبی داشته است و داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری تحقیق برازش مناسبی دارد و این بیانگر همسو بودن سؤالات با سازه‌های نظری است. در این پژوهش از آنجا که مدل تأیید گرفته شده است برای مدل کیفی (مدل مفهومی) و محقق فرضیاتی را آزمون کرده است بر اساس مدل پارادایمی به‌دست آمده در روش جی تی و تحلیل عاملی استفاده شده است که منجر به توسعه فرضیات شد که در جدول ۱۴ مشاهده می‌شود.

جدول شماره (۱۰): شاخص‌های برازش مدل

شاخص	مقدار برآورده شده	حد مجاز
SRMR	۰/۰۸۸	کمتر از ۰/۱

جدول شماره (۱۱): نتایج مدل معادلات ساختاری جهت بررسی روابط میان متغیرهای اصلی

اثرات	اثرات مستقیم	ضرایب		آماره تی	Sig	R	وضعیت رابطه	جهت
		خطا	بتا					
اثرات مستقیم	شرایط زمینه‌ای < پدیده	۰/۲۷۶	۰/۰۷۸	۳/۵۵۹	۰	۰/۴۲۶	تأیید	+
	شرایط علی < پدیده	۰/۲۷۶	۰/۰۸۳	۳/۳۲۴	۰/۰۰۱		تأیید	+
	شرایط مداخله‌گر < پدیده	۰/۲۷۶	۰/۰۹۸	۲/۸۰۴	۰/۰۰۵		تأیید	+
	پدیده < راهبردها	۰/۴۷۶	۰/۰۶۸	۶/۹۶۴	۰	۰/۲۲۶	تأیید	+
اثرات غیرمستقیم	راهبردها < پیامدها	۰/۶۰۱	۰/۰۵۶	۱۰/۶۹۵	۰	۰/۳۶۱	تأیید	+
	شرایط زمینه‌ای < پدیده < راهبردها	۰/۱۳۱	۰/۰۴	۳/۲۵۸	۰/۰۰۱	-	تأیید	+
	شرایط علی < پدیده < راهبردها	۰/۱۳۱	۰/۰۴۹	۲/۶۷۲	۰/۰۰۸		تأیید	+
	شرایط مداخله‌گر < پدیده < راهبردها	۰/۱۳	۰/۰۵۱	۲/۵۴۸	۰/۰۱۱		تأیید	+
	شرایط زمینه‌ای < پدیده < راهبردها < پیامدها	۰/۰۷۹	۰/۰۲۶	۳/۰۸۹	۰/۰۰۲		تأیید	+
	شرایط علی < پدیده < راهبردها < پیامدها	۰/۰۷۹	۰/۰۲۳	۲/۴۲۵	۰/۰۱۶		تأیید	+
	شرایط مداخله‌گر < پدیده < راهبردها < پیامدها	۰/۰۷۸	۰/۰۳۴	۲/۳۲۲	۰/۰۲		تأیید	+
	پدیده < راهبردها < پیامدها	۰/۲۸۶	۰/۰۵۵	۵/۲۰۲	۰		تأیید	+
	شرایط زمینه‌ای < پدیده < راهبردها	۰/۱۳۱	۰/۰۴	۳/۲۵۸	۰/۰۰۱		تأیید	+
	شرایط علی < پدیده < راهبردها	۰/۱۳۱	۰/۰۴۹	۲/۶۷۲	۰/۰۰۸		تأیید	+
شرایط مداخله‌گر < پدیده < راهبردها	۰/۱۳	۰/۰۵۱	۲/۵۴۸	۰/۰۱۱		تأیید	+	

تحلیل جامعه‌شناختی عملکرد ورزشی با رویکرد خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار . . .

جدول شماره (۱۲): نتایج معادلات ساختاری جهت بررسی فرضیات

وضعیت رابطه	R	t-value	ضریب مسیر	فرضیات
تأیید	۰/۴۲۶	۳/۳۲۴	۰/۲۲۶	شرایط علی تأثیر دارد بر روی خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز
تأیید		۳/۵۵۹	۰/۲۲۶	شرایط زمینه‌ای تأثیر دارد بر روی خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز
تأیید		۲/۸۰۴	۰/۲۲۴	شرایط مداخله‌گر تأثیر دارد بر روی خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز
تأیید	۰/۲۲۶	۶/۹۶۴	۰/۴۷۶	شرایط کنش متقابل و استراتژی تأثیر دارد بر روی مدیریت بدن و راهبردهای خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز
تأیید	۰/۳۶۱	۱۰/۶۹۵	۰/۶۰۱	شرایط پیامدی تأثیر دارد بر روی مدیریت بدن در قبال خود پذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز

۱ - شرایط علی تأثیر دارد بر روی خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز و ضریب معناداری (t-value) این فرضیه ۳/۳۲۴ و بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد، با ۹۵ درصد اطمینان شرایط علی بر پدیده خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز تأثیر مثبت و معناداری دارد و شرایط علی به میزان ۰/۰۷۶ از تغییرات واریانس پدیده خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز را تبیین می‌کند.

۲- شرایط زمینه‌ای تأثیر دارد بر روی خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز و ضریب معناداری (t-value) این فرضیه ۳/۵۵۹ و بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد، با ۹۵ درصد اطمینان شرایط زمینه‌ای بر پدیده خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز تأثیر مثبت و معناداری دارد و شرایط زمینه‌ای به میزان ۰/۰۷۶ از تغییرات واریانس پدیده خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز را تبیین می‌کند.

۳- شرایط میانجی و مداخله‌گر تأثیر دارد بر روی خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز و ضریب معناداری (t-value) این فرضیه ۲/۸۰۴ و بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد، با ۹۵ درصد اطمینان شرایط مداخله‌گر بر پدیده خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز تأثیر مثبت و معناداری دارد و شرایط مداخله‌گر به میزان ۰/۰۷۵ از تغییرات واریانس پدیده خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز را تبیین می‌کند.

۴- شرایط کنش متقابل و استراتژی تأثیر دارد بر روی مدیریت بدن و راهبردهای خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز و ضریب معناداری (t-value) این فرضیه ۶/۹۶۴ و بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد، با ۹۵ درصد اطمینان شرایط کنش متقابل و استراتژی بر پدیده خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز تأثیر مثبت و معناداری دارد و شرایط کنش متقابل و استراتژی به میزان ۰/۲۲۶ از تغییرات واریانس پدیده خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز را تبیین می‌کند.

۵- پیامدی تأثیر دارد بر روی مدیریت بدن در قبال خود پذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز و ضریب معناداری (t-value) این فرضیه ۱۰/۶۹۵ و بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد، با ۹۵ درصد اطمینان شرایط پیامدی بر پدیده خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز تأثیر مثبت و معناداری دارد و شرایط پیامدی به میزان ۰/۳۶۱ از تغییرات واریانس پدیده خودپذیرشی خانم‌های ورزشکار بدنساز را تبیین می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش صورت گرفته با روش تحقیق ترکیبی با طرح اکتشافی که بر پایه داده‌های کیفی و کمی مأخوذ از کنشگران اجتماعی است کوشید مدل پارادایمی از مفهوم خود پذیرشی و مدیریت بدن را بر اساس برداشت‌های ذهنی و تفاسیر و تعاریف کنشگران از این مفهوم ارائه دهد. ۴۹ زیرمؤلفه برای خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکاران بدنساز استخراج و در قالب مدل نظری بر مبنای نظریه داده بنیاد ارائه شد. این مؤلفه‌ها به‌وسیله یک موضوع واحد با عنوان «رویکرد مؤثر به خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار بدنساز» با یکدیگر ارتباط می‌یابند. می‌توان گفت که فرایند خودپذیرشی و مدیریت بدن در ورزش بدنسازی یک خصلت گفتمانی دارد. گفتمان محصول زبان است. زبان اجرای فکر است و فکر اجرای زبان است. تن و خصوصاً امیالش در پارادایم گفتمان بدن به‌وسیله خودپذیرشی کنترل می‌شود که دستاورد عقل است. مع‌هذا با تکامل اجتماعی در عصر جهانی‌شدن و بلوغ عقل در عطفه تجلی تاریخی و روانی، میل را به مسیر جدیدی برده است که می‌توان به میل به جذابیت بدن اشاره کرد و این دیالوگ میل و ذهن در گفتمانی جمعی است که حقیقت‌ساز می‌گردد، بدنسازی پایه و اساس یک خرده فرهنگ است وقتی که در ذهن دختران بدنساز فیزیک بدنی اهیت خاصی دارد و می‌گوید برای کسب تصویر بدنی مطلوب و تصویر بدنی ایده‌آل باید به ورزش بدنسازی روی بیاورم در چنین گفتمانی وقتی ارزش در جامعه به جذابیت فیزیکی پیوند خورده باشد و جامعه به این پدیده اهمیت می‌دهد، فرد تحت تأثیر فرهنگ اجتماع خویش ارزشمندی را در داشتن فیزیک بدنی جذاب می‌بیند و در رابطه با تصویر بدنی منطق اساسی این است که افراد در معرض فراگیری انتظارات و ایده‌آل‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه خویش هستند. جوانان بخصوص دختران جوان به‌دلیل مشاهده شرایط ناهمسان و تبعیض جنسیتی اعم از عدم بهره‌مندی از امکانات و پتانسیل‌های موجود در جامعه مثلاً استخدام در مراکز دولتی و غیردولتی، ناگزیر هستند که برای ابراز وجود و نشان دادن خود در جامعه، به ورزش بدنسازی روی آورند چرا که موفقیت و کسب پایگاه اجتماعی و کسب درآمد بهتر را در داشتن بدن جذاب می‌داند. تحلیل یافته‌های این تحقیق با کارهای پیشین در بعد پارادایم تعریف اجتماعی همچون جورج هربرت مید (از لحاظ خودپنداره در شرایط علی) و گافمن (کنش متقابل و چهره در کنش و تعامل)، و در بعد پارادایم واقعیت اجتماعی، همچون دورکیم (فشار اجتماعی در پیامدها) و مرتون و هایمن (گروه مرجع در شرایط مداخله‌گر و میانجی)، و در بعد پارادایم انتقادی، همچون پیر بوردیو (عادت واره دختران ورزشکار بدنساز در شرایط زمینه‌ای و رقابت بدن در پیامدها)، و در بعد پارادایم پست مدرن، همچون میشل فوکو (قدرت انضباطی بدن در شرایط مداخله‌گر و میانجی) و ژان بودریار (خودشیفتگی و از خودبیگانگی مصرفی در پیامدها) همسو است. ولی آن چیزی که در این تحقیق کار محقق را با تحقیقات پیشین متمایز می‌کند و تحلیل جامعه‌شناختی تغییرات اجتماعی عملکرد ورزشی با رویکرد خودپذیرشی و

تحلیل جامعه‌شناختی عملکرد ورزشی با رویکرد خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار . . .

مدیریت بدن در دختران ورزشکار شهر تهران در رشته انفرادی (بدنساز) را برجسته می‌کند پدیده ادراک غیرواقع بینانه‌ای از بدن و اغراق‌گویی از عملکرد ورزشی در دختران ورزشکار می‌باشد، در این میان تعدادی از خانم‌های بدنساز بودند که نسبت به عملکرد ورزششان دچار ادراک غیرواقع‌بینانه‌ای شده بودند و دست به اغراق‌گویی از عملکرد ورزشی بدن خود می‌زدند در اینجا با دیدگاه مختلف می‌توان این پدیده را تبیین و بررسی کرد. این اغراق‌گویی دختران بدنساز جزء شرایط پدیده محسوب می‌شود. بر اساس یافته به‌دست‌آمده، اغراق‌گویی آنان، ناشی از آگاهی و احساس دختر بدنساز، خانواده و جامعه نسبت به پدیده ورزش بدنسازی بوده است. این نوع رفتار بازخوردی از نگرش منفی در تعامل‌ها و روابط بینابینی حاصل می‌شود. با توجه به اینکه خانواده نخستین محیط رشد هر فرد محسوب می‌شود، لذا این بعد نگرش منفی اغراق‌گویی، باعث اختلال‌های شخصیتی، روانی و اجتماعی و روابط آشفته والدین با دختر بدنساز می‌شود، پیام‌هایی با مضمون «دیده بشو» که به دختران القا می‌شود، از آن‌ها افرادی می‌سازد که با توهم همه‌چیزدانی و همه‌کارتوانی وارد اجتماع می‌شوند، در نتیجه خود را از دیگران بالاتر می‌پندارند. در میدان ورزشی، دختری که به رشته بدنسازی روی آورده است تنها نقاط قوت خود و نقاط ضعف سایرین را می‌بیند و زمانی که دختر جوان قدرت اعمال مدیریت انداکی در دیگر موارد دارد، بدنش به‌عنوان محیطی مهمی برای اعمال قدرت به ابزار لذت و خودشیفتگی مبدل می‌گردد. دختر بدنساز خودشیفته در ظاهر عجول و بی‌پروا، نمایشی، از خود مطمئن و با اراده است و اغلب با مبالغه‌گویی و هاله‌ای از موفقیت در کار و روابط خود ظاهر می‌شود. دختران بدنساز برای جبران کمبودهای خود در توصیف عملکرد ورزشی و بدنی شان دچار اغراق‌گویی می‌شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آبوت، پاملا؛ والاس، کلر. (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه‌ی منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- آزاد ارمکی، تقی؛ چاوشیان، حسن. (۱۳۸۱)، بدن به مثابه رسانه‌ی هویت، مجله‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی چهارم، شماره ۴، صص ۷۵-۵۷.
- آزاد ارمکی، تقی؛ غراب، ناصرالدین. (۱۳۸۷)، بدن و هویت، مجله‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۱۰۱-۱۲۲.
- اباذری، یوسف؛ حمیدی، نفیسه. (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی بدن و پاره‌ای مناقشات، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۴، صص ۱۲۷-۱۶۰.
- ابراهیمی، قربانعلی؛ بهنویی، عباس. (۱۳۸۸)، سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت ظاهر جوانان: مطالعه موردی دختران و پسران شهر بابلسر، پژوهش زنان، دوره ۸، شماره ۳، صص ۱۵۳-۱۷۶.
- احمدنیا، شیرین. (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی بدن و بدن زنان، فصل زنان، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران: شماره ۵، صص ۱۳۲-۱۴۳.
- اخلاصی، ابراهیم. (۱۳۹۷)، درآمدی بر جامعه‌شناسی بدن، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- اسکانفلند، ویلیام. (۱۳۷۳)، تصویر ذهنی نوجوانان از بدن، ترجمه‌ی شروین شمالی، مجله‌ی تربیت، سال هفتم، شماره ۴، صص ۵۵-۵۰.
- پرستش، شهرام؛ بهنویی، عباس؛ محمودی، کریم. (۱۳۸۷)، بررسی جامعه‌شناختی مدیریت ظاهر و هویت فردی در بین جوانان (مطالعه‌ی موردی شهر بابلسر)، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۱۹-۴۹.
- پهلوان‌زاده، سعید؛ مقصودی، جهانگیر؛ قضاوی، زهرا. (۱۳۸۴)، رضایت از تصویر ذهنی بدن و شاخص توده بدن در نوجوانان (مطالعه موردی دبیرستان‌های شهر اصفهان)، دوفصلنامه‌ی تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۳، شماره ۱، صص ۳۹-۴۴.
- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۹۱)، درآمدی بر تاریخ فرهنگی بدن در ایران، تهران: انتشارات تپسا.
- ذکایی، محمد سعید؛ فرزانه، حمیده. (۱۳۸۸)، زنان و فرهنگ بدن: زمینه‌های انتخاب جراحی‌های زیبایی در زنان تهرانی، فصلنامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، صص ۴۵-۶۵.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۷)، جوانان، بدن و فرهنگ تناسب، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۱۷-۱۴۱.
- رضایی، احمد؛ اینانلو، مینا؛ فکری، محمد. (۱۳۸۹)، مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی در بین دختران دانشگاه مازندران، مطالعات راهبردی زنان، سال دوازدهم، شماره ۴۷، صص ۱۴۱-۱۷۰.

تحلیل جامعه‌شناختی عملکرد ورزشی با رویکرد خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار . . .

- ریتزر، جورج. (۱۳۷۹)، نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- فاتحی، ابوالقاسم؛ اخلاصی، ابراهیم. (۱۳۸۷)، مدیریت بدن و رابطه‌ی آن با پذیرش اجتماعی بدن مطالعه‌ی موردی زنان شهر شیراز، مطالعات راهبردی زنان، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۹-۴۲.
- کولی، جی. (۱۳۹۳)، ورزش در جامعه ۱ و ۲؛ ترجمه‌ی بهرام قدیمی، تهران: انتشارات بامداد کتاب.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲)، تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۷)، روش در روش: درباره‌ی ساخت معرفت در علوم انسانی، قم: انتشارات لوگوس.
- موسوی، منصوره. (۱۳۹۵)، زنانگی و بدن (نگاهی جامعه‌شناسانه به بلوغ)، تهران: انتشارات فیروزه.
- موسوی، منصوره. (۱۳۹۷)، تابوی زنانگی، تهران: انتشارات فیروزه.
- ویس، اتمار. (۱۳۸۹)، مبانی جامعه‌شناسی ورزش؛ ترجمه‌ی کرامت‌الله راسخ، تهران: نشر نی.
- هسن، جوزف و دیگران. (۱۳۸۱)، آرایش، مد و بهره‌کشی از زنان، ترجمه‌ی افشنگ مقصودی، تهران: نشر گل آذین.
- هولمز، مری. (۱۳۸۷)، جنسیت و زندگی روزمره؛ ترجمه‌ی محمدمهدی لیبی، تهران: نشر افکار.
- Bourdieu, Pierre. (۱۹۹۰) Sport and social class. pp (۳۲۵-۳۴۱).
- Brickell, Chris. (۲۰۰۹) Through the (New) Looking Glass: Gendered Bodie, Fashion and Resistance in Postwar New Zeland, Journal of Consumer Culture. Vol. ۲. No. ۲, pp. ۲۴۱-۲۶۹.
- Burkitt, I. (۲۰۱۰) Bodies of Thought: Embodiment, Identity and Modernity, London: Sage.
- Coakley, Jay. (۲۰۱۴) Sports in Society: Issues and Controversies. pp (۸۹-۹۵).
- Coupland, Justine & Gwyn, Richard. (۲۰۱۳) Discourse, the Body and Indntity, Palgrave. Macmillan.
- Crossley, Nick. (۲۰۱۵) Body Techniques, Agency and Intercorporeality: On Goffman Relation Public. Sociology, Vol. ۲۹, No. ۱.
- Douglas, Mary. (۲۰۱۷) Natural Symbols, Exploration in Cosmology. London and New York, Routledge.
- Douglas, Mary. (۲۰۱۷) Purity and Danger, An Analysis of Pollution and Taboo Pelicam: Transation books.
- Foucault, Michel. (۲۰۰۴). Critique of sport. pp. (۶۹-۷۵).
- Giddens, Anthony. (۲۰۰۶) A 'third way' for football fandom research. pp. (۴۲۵-۴۲۸).
- Goffman, Erving. (۱۹۵۹) the Presentation of Self in Everyday Life. Doubleday Anchor Books, New York: Doubleday & Company, Inc, Garden City.

- Goffman, Erving. (۱۹۵۹). Influence on the Sociology of Sport]. pp. (۸۹-۹۵).
- Grogan, Sarah & Wainwright, N. (۲۰۱۴) Growing up in the Culture of Stenderness, Girls Experience of Body Dissatisfaction. Women's Studies International Form. Vol ۱۹, No ۶, pp. ۶۶۵ - ۶۷۳.
- Groth, M. V, Fagt, S, Stockmarr. A, Matthiessen. J & Biloft- Jensen, A. (۲۰۱۵) Dimensions of Socioeconomic Position Related to Body Mass index and Obesity Danish Woman and Men. Scandinavian Journal of Public Health, ۳۷: ۴۱۸-۴۲۶.
- Jung, Jaehee. & Lee, Seung-Hee. (۲۰۱۶) Cross-Cultural Comparisons of Appearance Self- Schema, Body Image, Self- Esteem, and Dieting Behaviors between Korean and U. S. Women. Family and Consumer Sciences Research Journal, ۳۴: ۳۵۰-۳۵۶.
- Karazsia, T Bryan & Crowther, H Janis (۲۰۱۴) Sociocultural and Psychological Links to Men's Engagement in Risky Body Change Behaviors. pp (۶۳۰-۶۳۷).
- Katzman, Melanie A and Lee, Sing. (۲۰۱۷) Beyond Body Image: The Integration of Feminist and Transcultural Theories in the Understanding of Self. International Journal of Eating Disorders, Vol ۲۲, pp. ۳۸۵ - ۳۹۴.
- Kieger, Nancy and Davey Smith George. (۲۰۱۳) Bodies Count and Body Count: Epidemiology and Embodying Inequality. Epidemiologic Reviews, vol. ۲۶.
- Kostanski, Marion & Gullone, Eleonora. (۲۰۱۸) Adolescent Body Image Dissatisfaction: Relationships with Self-esteem, Anxiety, and Depression Controlling for Body Mass. PP (۱۲۳-۱۲۸).
- Lechat. (۲۰۰۰). Interpersonal self-esteem, sports behavior. pp. (۱۰۲-۱۰۹).
- Malson, H. (۲۰۱۴) Women under Eraser: Anorexic Bodies in Postmodern Context. Journal of Community and Applied Social Psychology, Vol. ۹. pp. ۱۳۷-۱۵۳.
- Merleau-Ponty, M. (۲۰۱۵) the Phenomenology of Perception. London: Routledge and Kegan Paul.
- Nettleton, Sarah. (۲۰۱۵) the Sociology of Health and Illness. Cambriding, London: Polity Press.
- Nettleton, Sarah. Watson, Jonathon. (۲۰۱۵) the Body in Everyday Life. London and Newyork: Routledge.
- Rad, Alnuwn. (۱۹۹۴). the relationship between attitudes toward sexual roles, body satisfaction, self-esteem, and appearance management in female athletes. pp. (۶۵۸-۶۶۱).
- Ricciardelli, Rosemary & Clow, Kimberley. (۲۰۱۵) Men, Appearance, and Cosmetic Surgery: The Role of Self - Esteem and Comfort with the Body. Canadian Journal of Sociology, Cahiers Canadiens Sociologies ۳۴(۱) ۱۰۵-۱۳۴.
- Ritzer, George. (۲۰۱۳). Physical Capital and the Production of Social Inequalities. pp. (۳۶-۴۱).

تحلیل جامعه‌شناختی عملکرد ورزشی با رویکرد خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار ...

- Robinson, Tommy Renee. (۲۰۱۳) Clothing Behavior, Body Cathexis, and Appearance Management of Women Enrolled in a Commercial Weight Loss Program. . Dissertation Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy. Faculty of Polytechnic Institute. Virginia State University.

- Roussel, Peggy. (۲۰۱۹) Understanding the dynamics of physical activity practice in the health context through Regulatory Focus and Self-Determination theories. pp (۲۷-۲۹).

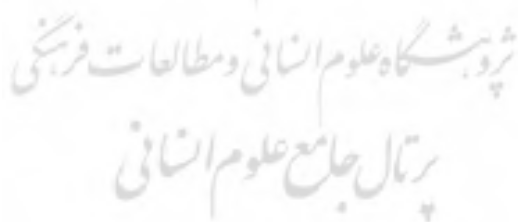
- Rudd, Nancy A& Lennon, Sharron J. (۲۰۱۴) Linkages between Attitudes towards Gender Roles, Body Satisfaction, Self – Esteem, and Appearance Management Behaviors in Woman. Family and Consumer Scinces Research Journal, ۲۴: ۹۴-۱۱۷.

- Rudd, Nancy A. & Lennon, Sharron J. (۲۰۰۰) Body Image and Appearance-Management Behaviors in College Women. Clothing and Textiles Research journal. ۱۸: ۱۵۲- ۱۶۲.

- Shilling. (۱۹۹۱). Physical Capital and the Production of Social Inequalities. pp. (۴۵-۵۱)

- Turner, Bryan S. (۲۰۱۶) the Body and Society (Explorations in Social Theory). London: Sage Publications. .

- Wheeldon, Johannes. (۲۰۱۱) Is a Picture Worth a Thousand Words? Using Mind Maps to Facilitate Participant Recall in Qualitative Research. The Qualitative Report Volume ۱۶.



Sociological analysis of sports performance with self-acceptance and body management approach in female athletes in Tehran in the field of individual (bodybuilding)

Abstract:

The purpose of this article is a sociological analysis of sports performance with the approach of self-acceptance and body management in female athletes in Tehran in the field of individual (bodybuilding) and to implement it, a combined research method with an exploratory design has been used. First, ۴۹ people were interviewed in the qualitative part of the research using the grounded theory technique of Strauss and Corbin model. Then, in the quantitative section, questionnaires were prepared and distributed to ۱۲۰ people. The validity of the questionnaire was confirmed by experts and its reliability was calculated by Cronbach's alpha (0.977). In this output, structural equation modeling from Smart PLS software was used and specific research paths were studied in accordance with the conceptual model. The quantitative index of the quantitative model is 0.88 and indicates the strong desirability of the model, which is considered as a criterion for the validity of the theory based on. Results of qualitative section findings in the form of ۶ concepts: causal conditions including: weakness of personality traits; Axial phenomenon: self-acceptance and lack of self-confidence; Intervention conditions: the role of friends and mentors; Background: Girl Athlete Habit; Actions and Interactions: Body Management; Consequences: A feeling of self-satisfaction and approval of others. According to the findings, the exaggeration of female bodybuilders is due to the awareness and feelings of bodybuilders, the family and society towards the phenomenon of bodybuilding, which this type of feedback behavior is obtained from a negative attitude in interactions and interpersonal relationships.

Keywords: Self-acceptance, body management, sports performance, bodybuilding.